

قمارِ توییستی

خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس: تنگه هرمز با توثیقات‌های ترامپ باز نمی‌شود

در کنار واقعیت نظامی، یک نمایش مشحون را ترامپ به نام محاصره دریایی راه آتلانتیکه که حتی در علم ریاضی هم حکایت از گرفتار شدن آمریکایی‌ها در یک پاتلاق دارد. علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: واقعیت این است که تنگه هرمز با توثیقات‌های ترامپ و یا هر کس دیگری باز نمی‌شود. بلکه این ایران است که با منوریت هوشمند خود این تنگه را می‌تواند باز یا بسته نگه دارد. آنچه در ماجرای تنگه هرمز یا گذشته و امروز مقاومت ملت ایران روشن است این‌که توهم تسلیم کردن ایران فروریخته است. در کنار واقعیت نظامی، یک نمایش مشحون را ترامپ به نام محاصره دریایی راه آتلانتیکه که حتی در علم ریاضی هم حکایت از گرفتار شدن آمریکایی‌ها در یک پاتلاق دارد. فشار لابی صهیونیستی به دنیال این است که ترامپ و آمریکا را برای ادامه دادن به یک جنگ پشچال قانع کند.



پرسپولیس ول گن استقلال نیست

در صفحه ۸ بخوانید

رفقا بد رفوزه شدید

در صفحه ۶ بخوانید

چراغ‌های روشنی بی دلیل

در صفحه ۵ بخوانید

قانون

چهارشنبه

۹ اردیبهشت ۱۴۰۵ ● ۱۱ ذوالقعدة ۱۴۴۷ ● 29 April 2026

۸ صفحه ● پنج‌هزار تومان ● سال پنجم ● شماره هشتصد و پنج

www.asrghanoonir

جنگ‌نا تمام



امیر سرتپ «محمد اکرمی‌نیا»، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگویی به تشریح عملکرد نیروی زمینی ارتش در جنگ تحمیلی پرداخت و با تأکید بر موفقیت‌های عملیاتی این نیروها به بمباران پایگاه‌های آمریکایی توسط جنگنده‌های ارتش اشاره کرد.

سرتپ اکرمی‌نیا اعلام کرد: نیروهای هوایی ارتش به پایگاه‌های دشمن در کشورهای منطقه، از جمله پایگاه ضد انقلاب در اربیل عراق، کویت و قطر حمله کردند. اخیراً گزارش از یکی از رسانه‌های آمریکایی منتشر شده که به عملیات موفق جنگنده‌های اف-۵ نیروی هوایی اشاره دارد. این جنگنده‌ها با موفقیت از لایه‌های مختلف پدافندی که آمریکایی‌ها طراحی کرده بودند عبور کرده و پایگاه آمریکا را هدف قرار دادند.

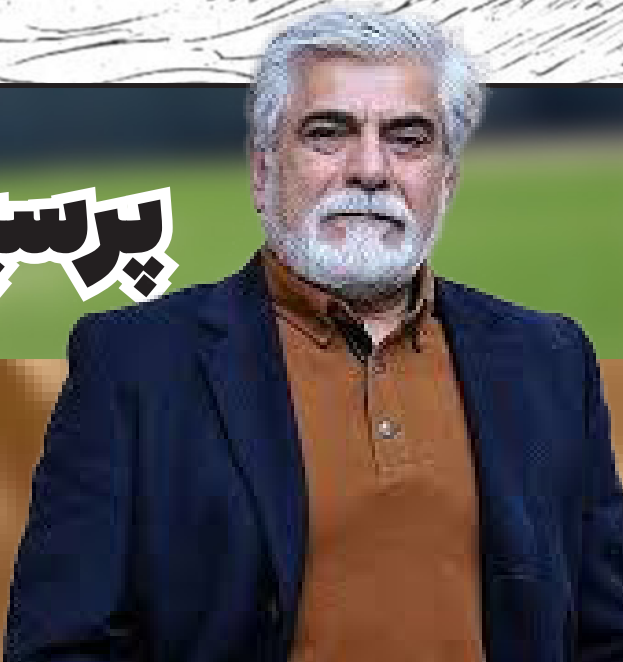
وی این عملیات را کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر توصیف کرد و افزود: پس از این عملیات، نیروی هوایی تا روز آخر جنگ به شلیک پهپادها به سمت پایگاه‌های دشمن و سرزمین‌های اشغالی ادامه داد. سخنگوی ارتش خاطرنشان کرد: نیروی زمینی با شلیک موشک‌های فجر و فتح به پایگاه‌های دشمن در کشورهای منطقه نقش‌آفرین بود و موثر عمل کرد. وی ادامه داد: مراقبت‌ها و تدابیر اتخاذشده توسط نیروی زمینی ارتش در حفاظت از مرزها بسیار قابل توجه بود.

تا آخرین روزهای جنگ، با وجود اینکه دشمن بارها شعارها و تهدیدهایی درباره انجام حمله زمینی مطرح می‌کرد، هرگز جرات نیافت از طریق مرزهای زمینی اقدام به تعرض یا تجاوز کند. یکی از عوامل مهم این بازدارندگی، آمادگی بالای نیروی زمینی ارتش در کنار نیروهای سپاه بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت مرزها ایفا کرد.

سخنگوی ارتش با اشاره به برآوردهای اطلاعاتی، اعلام کرد که ارتش از قبل از آغاز جنگ آمادگی لازم را داشته و تحلیل‌ها نشان می‌داد که دشمن احتمالاً قصد حمله نظامی به کشور را دارد. وی افزود: تمامی نیروها و یگان‌های ارتش در وضعیت آمادگی مطلوبی قرار داشتند.

امیر اکرمی‌نیا به استقرار یگان‌های نیروی زمینی در مناطق مختلف کشور اشاره کرد و گفت: نیروی زمینی در جریان نفوذ دشمن در جنوب اصفهان، بلافاصله وارد عمل شد و با واکنش سریع خود، هواپیمای متخاصم آمریکایی را مورد اصابت قرار داد. این واکنش قاطع موجب شکست عملیات دشمن شد.

۲



ایران در آستانه نظم نوین منطقه‌ای



■ در حالی که غبار دو دور تقابل مستقیم و بی‌سابقه با ائتلاف آمریکا- رژیم صهیونیستی هنوز بر آسمان غرب آسیا سنگینی می‌کند، جمهوری اسلامی ایران، با پرسشی راهبردی روبه‌رو است: چگونه می‌توان بازدارندگی نظامی سخت را به قدرت ملی پایدار و همه‌جانبه تبدیل کرد؟ بیانات رهبر معظم انقلاب و پیام‌های نوروزی و فروردینی ایشان، به‌ویژه تأکید بر «ایران هر چه قوی‌تر»، نشان می‌دهد که ایشان کلید عبور از آتش‌بس لرزان کنونی را نه صرفاً در ابزارهای موشکی و پهپادی، بلکه در عمق انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی و ... می‌دانند.

۱. از «جنگ تحمیلی سوم» تا توازن وحشت نوین

سال ۱۴۰۴ و اوایل ۱۴۰۵ در تاریخ معاصر ایران به عنوان دوران «تقابل عریان» ثبت خواهد شد. دو موج درگیری مستقیم، نخست جنگ دوازده‌روزه در خرداد و تیر ۱۴۰۴ با حملات گسترده هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای، نظامی و حتی نقاط مسکونی و حمله مستقیم آمریکا به تأسیسات هسته‌ای، و سپس درگیری‌های گسترده‌تر در اسفند ماه و فروردین ۱۴۰۵ با دخالت مستقیم آمریکا توازن قدرت در غرب آسیا را به‌طور اساسی جابه‌جا کرد. ایران با پاسخ‌های موشکی و پهپادی گسترده، نشان داد که دیگر «تهدا زخم‌خورده» جنگ تحمیلی اول نیست، بلکه به درختی تناور با ریشه‌های عمیق در محور مقاومت تبدیل شده است.

میراث رهبر شهید: علی‌رغم شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در حملات اولیه در اسفند ماه و فشارهای بی‌سابقه، جمهوری اسلامی نه تنها فرو نپاشید، بلکه با انتقال سریع رهبری و حفظ زنجیره فرماندهی، انسجام خود را به نمایش گذاشت. این تداوم، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای استراتژیک در برابر راهبرد «سربریدن» که با هدف از بین بردن ساختارهای رهبری سیاسی و نظامی یا مجموعه فرماندهی و کنترل، دشمن بود. واقعیت آتش‌یس: وضعیت کنونی بیش از یک صلح پایدار، یک «آتش‌یس تاکتیکی» و فرصت بازسازی است. دشمن که در میدان نظامی به اهداف نهایی خود (تئیسر حکومت یا نابودی ظرفیت هسته‌ای و موشکی) نرسید، اکنون تمرکز خود را از میدان نبرد سخت به «جنگ ترکیبی» و بهره‌برداری از گسل‌های داخلی، اقتصادی و اجتماعی ایران معطوف کرده است. بستن موقت تنگه هرمز و حملات گسترده موشکی به پایگاه‌های آمریکایی و اسرائیلی، معادله «توازن وحشت» را به نفع ایران تغییر داد.

۲. وحدت ملی: دکترین امنیت در فاز پسا-درگیری

در ادبیات نظامی کلاسیک، قدرت سخت (موشک‌های بالستیک، پهپادهای انتحاری و پدافند هوایی) همیشه در کانون توجه قرار دارد. اما تجربه تلخ و پرهزینه یک سال و نیم اخیر ثابت کرد که «تاب‌آوری ملی» و انسجام اجتماعی، متغیر تعیین‌کننده پیروزی یا شکست در جنگ‌های طولانی‌مدت است.

«ایران هر چه قوی‌تر» به معنای کشوری است که فاصله میان مرکز و حاشیه، شکاف میان نخبگان و توده مردم، و تنش میان اقشار مختلف (جوانان، زنان، اقوام و پیروان مذاهب گوناگون) به حداقل ممکن برسد.

تأکید مکرر بر حضور همه‌جانبه اقشار جامعه زیر پرچم وطن در پیام‌های ۲۰ فروردین و نوروزی رهبر معظم انقلاب، پاسخی هوشمندانه و پیش‌دستانه به راهبرد دشمن مبنی بر «فشار از درون» و ایجاد شکاف‌های قومی، طبقاتی و نسلی است. هر ترک‌خوردگی در این بدنه اجتماعی، به مثابه حفره‌ای در پدافند غیرعامل کشور عمل خواهد کرد. وحدت ملی در این برهه، دیگر یک شعار ایدئولوژیک صرف نیست؛ بلکه یک ضرورت استراتژیک برای تبدیل بازدارندگی موقت به سیادت پایدار منطقه‌ای به شمار می‌رود.

۳. چالش‌های پیش‌رو: اقتصاد، اقناع عمومی و بازسازی

هیچ تحلیل واقع‌بینانه‌ای نمی‌تواند چالش‌های عمیق پس از جنگ را نادیده بگیرد. دو دور درگیری مستقیم، که با ادعای کمک به مردم ایران انجام شد در کنار به شهادت رسیدن هزاران غیر نظامی، زن و کودک، موجب اختلال در زنجیره تأمین و آسیب به زیرساخت‌های انرژی و صنعتی شد که بار سنگینی بر دوش مردم ایران گذاشته است.

– اقتصاد مقاومتی واقعی: قدرت نظامی بدون پشتوانه اقتصادی قوی، در بلندمدت آسیب‌پذیر است. «ایران قوی» نیازمند نه تنها موشک و پهپاد، بلکه سفره‌ای پرپرا، ثبات ارزی و امید به آینده برای نسل جوان است. بدون اجرای جدی اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر تولید داخلی، کاهش وابستگی به نفت و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری بازسازی سریع ممکن نخواهد بود.

– پل‌سازی رسانه‌ای و فرهنگی: در دوران آتش‌یس، «جنگ روایت‌ها» از خرید جنگنده یا موشک جدید حیاتی‌تر است. اقناع افکار عمومی، ذوب کردن یخ‌های بی‌اعتمادی میان گروه‌های اجتماعی مختلف، و مقابله با عملیات روانی دشمن در فضای مجازی، نیازمند استراتژی رسانه‌ای هوشمند و فراگیر است. جوانان، زنان و اقوام باید خود را بخشی از پیروزی ملی ببینند، نه قربانی آن.

در حال به‌روزرسانی تجهیزات مان هستیم



گفت: در ابتدای جنگ، نیروی هوایی با اجرای چندین سورتی پرواز، حملاتی را علیه پایگاه‌های دشمن در منطقه انجام داد. وی به هدف قرار دادن مراکز ضدانقلاب در اربیل عراق و پایگاه‌های دیگر در کویت و قطر اشاره کرد.

سخنگوی ارتش به گزارشی از رسانه‌های آمریکایی اشاره کرد که در آن، موفقیت جنگنده‌های اف-۵ نیروی هوایی در عبور از لایه‌های پدافندی دشمن و هدف قرار دادن پایگاه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. این عملیات به‌عنوان اقدامی موفق و کم‌نظیر ارزیابی شده است.

اصفهان، بلافاصله وارد عمل شد و با واکنش سریع خود، هوایی‌های متخاصم آمریکایی را مورد اصابت قرار داد. این واکنش قاطع موجب شکست عملیات دشمن شد.

وی همچنین تأکید کرد که دشمن تا آخرین روز جنگ جرأت نکرده است که حمله زمینی به ایران انجام دهد. مراقبت‌ها و تدابیر اتخاذشده توسط نیروی زمینی در حفاظت از مرزها بسیار قابل توجه بود و آمادگی بالای این نیروها به همراه نیروهای سپاه نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت مرزها ایفا کرد.

امیر اکرمی‌نیا همچنین به نقش نیروی هوایی ارتش اشاره کرد و



سناریوهای پیش‌رو جنگ ایران و آمریکا

■ در این میان، دونالد ترامپ تا ۱۱ اردیبهشت (اول می) با سه سناریوی مشخص مواجه است. نخستین و خطرناک‌ترین گزینه، حمله نظامی تمام‌عیار زمینی، دریایی و هوایی پس از این تاریخ است.

گروه سیاسی عصر قانون:

محمدعلی حسن نیا

در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد مسیر مذاکرات ایران و آمریکا برای دستیابی به یک توافق جامع به بن‌بست جدی خورده است. اختلافات عمیق بر سر میزان غنی‌سازی، مکانیسم‌های راستی‌آزمایی و لغو کامل تحریم‌ها موجب شده تا دو طرف نتوانند به زبانی مشترک دست یابند.

در چنین فضایی، ابتکار جدیدی شکل گرفته که بر اساس آن، مذاکرات به سه بسته مجزا تفکیک شده است: پرونده پایان جنگ در پاکستان، موضوع هسته‌ای و تحریم‌ها با میانجیگری روسیه، و گفتگوهای عمان بر محور تنگه هرمز و مسائل منطقه‌ای. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که طرفین تلاش دارند از بن‌بست جامع خارج شده و پیشرفت‌های مرحله‌ای را جایگزین توافق بزرگ کنند.

در این میان، دونالد ترامپ تا ۱۱ اردیبهشت (اول می) با سه سناریوی مشخص مواجه است. نخستین و خطرناک‌ترین گزینه، حمله نظامی تمام‌عیار زمینی، دریایی و هوایی پس از این تاریخ است.

چنین اقدامی نه تنها منطقه را وارد جنگی ویرانگر می‌کند، بلکه بی‌ثباتی گسترده‌ای در خاورمیانه و بازار انرژی ایجاد خواهد نمود. سناریوی دوم، حملهای محدود با سامد بالا و سپس اعلام پیروزی و پایان جنگ است؛ مدلی که یادآور حملات مقطعی در گذشته بوده و بیشتر جنبه نمایشی و فشار روانی دارد.

اما سناریوی سوم که ایران نیز از آن استقبال کرده، مدل «پایان دائمی جنگ» و سپس ادامه مذاکرات در مسقط و مسکو برای حل و فصل قطعی موضوع تنگه هرمز، پرونده هسته‌ای و خاتمه بحران در تمام مسائل منطقه‌ای است.

در سناریوی سوم، ایران تأکید دارد که هرگونه اقدام نظامی، حتی محدود، پایان مذاکرات را به دنبال خواهد داشت و تنها مسیر گفتگوهای فراگیر با تضمین منافع متقابل می‌تواند به ثبات بیانجامد. بدین ترتیب، انتخاب ترامپ در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا ۱۱ اردیبهشت، تعیین‌کننده مسیر آینده خواهد بود: جنگ ویرانگر، جنگ نمایشی یا دیپلماسی پایان‌دهنده بحران؟

آنچه روشن است، هوشمندی ایران در احیای کانال‌های موازی دیپلماتیک و جدا کردن موضوعات حل‌نشدنی از بسترهای گفتگو است. با این حال، تداوم رویکرد فشار حداکثری و تهدید نظامی، بزرگترین مانع برای خروج از بن‌بست کنونی به شمار می‌رود. باید دید ترامپ در آینده کدام سناریو را انتخاب خواهد کرد.

■ امیر سرتیپ «محمد اکرمی‌نیا»، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگویی به تشریح عملکرد نیروی زمینی ارتش در جنگ تحمیلی پرداخت و با تأکید بر موفقیت‌های عملیاتی این نیروها به بمباران پایگاه‌های آمریکایی توسط جنگنده‌های ارتش اشاره کرد.

سرتیپ اکرمی‌نیا اعلام کرد: نیروهای هوایی ارتش به پایگاه‌های دشمن در کشورهای منطقه، از جمله پایگاه ضدانقلاب در اربیل عراق، کویت و قطر حمله کردند. اخیراً گزارشی از یکی از رسانه‌های آمریکایی منتشر شده که به عملیات موفق جنگنده‌های اف-۵ نیروی هوایی اشاره دارد. این جنگنده‌ها با موفقیت از لایه‌های مختلف پدافندی که آمریکایی‌ها طراحی کرده بودند عبور کرده و پایگاه آمریکا را هدف قرار دادند.

وی این عملیات را کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر توصیف کرد و افزود: پس از این عملیات، نیروی هوایی تا روز آخر جنگ به شلیک پهپادها به سمت پایگاه‌های دشمن و سرزمین‌های اشغالی ادامه داد.

سخنگوی ارتش خاطرنشان کرد: نیروی زمینی با شلیک موشک‌های فجر و فتح به پایگاه‌های دشمن در کشورهای منطقه نقش‌آفرین بود و موثر عمل کرد.

وی ادامه داد: مراقبت‌ها و تدابیر اتخاذشده توسط نیروی زمینی ارتش در حفاظت از مرزها بسیار قابل توجه بود. تا آخرین روزهای جنگ، با وجود اینکه دشمن بارها شعارها و تهدیدهایی درباره انجام حمله زمینی مطرح می‌کرد، هرگز جرأت نیافت از طریق مرزهای زمینی اقدام به تعرض یا تجاوز کند. یکی از عوامل مهم این بازدارندگی، آمادگی بالای نیروی زمینی ارتش در کنار نیروهای سپاه بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت مرزها ایفا کرد.

سخنگوی ارتش با اشاره به برآوردهای اطلاعاتی، اعلام کرد که ارتش از قبل از آغاز جنگ آمادگی لازم را داشته و تحلیل‌ها نشان می‌داد که دشمن احتمالاً قصد حمله نظامی به کشور را دارد.

وی افزود: تمامی نیروها و یگان‌های ارتش در وضعیت آمادگی مطلوبی قرار داشتند.

امیر اکرمی‌نیا به استقرار یگان‌های نیروی زمینی در مناطق مختلف کشور اشاره کرد و گفت: نیروی زمینی در جریان نفوذ دشمن در جنوب



پروتکل‌های ایران برای عبور از هرمز

■ سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در اجلاس وزرای دفاع سازمان همکاری‌های شانگهای، پیام سرپرست این وزارتخانه را قرأنت کرد؛ پیامی که بر استمرار قدرت نیروهای مسلح، مقاومت مردم ایران و ناتوانی آمریکا در دیکته‌کردن سیاست به کشورهای مستقل تأکید دارد.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس، عالی جنابان، خانم‌ها و آقایان

سلام علیکم؛

مایلم سخنان خود را با ابراز قدردانی عمیق از حسن میزبانی و برنامه ریزی دولت و بویژه عالیجناب «روسلان موکام بتوو» (Ruslan Mukambetov) وزیر محترم دفاع جمهوری قرقیزستان در برگزاری شایسته این رویداد و نیز تلاش‌ها و ابتکارات در خلال مسئولیت دوره ای اجلاس، اعلام نمایم.

از فرصت استفاده می‌کنم؛ یاد شهادی کشورم بویژه حضرت آیت اله خامنه‌ای رهبر عالیقدر سیاسی و دینی جمهوری اسلامی ایران، سرلشکر عزیز نصیرزاده وزیر دفاع که سال گذشته در جمع شما حضور داشت و سایر فرماندهان نظامی، افسران شجاع ناو شکن دنا و نیز غیر نظامیان بویژه ۱۶۸ دانش آموز بیگانه مدرسه میناب که با حملات تروریستی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند، گرامی می‌دارم.

مفتخرم به نمایندگی از کشوری در این اجلاس با اهمیت سخن گویم که از پیشینه و تمدن تاریخی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر اعتدال، عقلانیت و احترام به سایر فرهنگ‌ها و ملت‌ها، برخوردار است.

ملت تمدن ساز ایران که در طول تاریخ کهن خود، هرگز حاضر به پذیرش سلطه و استثمار هیچ قدرتی نبوده و هیچگاه بدنبال تسلط و استعمار بر هیچ کشوری نیز نبوده است.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ معاصر خود همواره به عنوان نقطه تعادل و توازن در منطقه در جهت ایجاد صلح، ثبات و امنیت پایدار گام برداشته است که به عنوان یکی از مصادیق آن می‌توان به پیش از یک دهه مبارزه با تروریسم و شکست داعش در غرب آسیا با همکاری فرانسویان روسیه و برقراری مجدد ثبات و امنیت در منطقه اشاره کرد.

خانم‌ها و آقایان؛

همانگونه که مطلعید جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو و بخشی از جغرافیای شانگهای، در طول کمتر از یکسال؛ طی دو نوبت در ژوئن ۲۰۲۵ و فوریه ۲۰۲۶ میلادی آماج حملات و تجاوزات غیر قانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. تجاوزاتی که منطقه غرب آسیا را درگیر نا امنی و بحران نموده، به گونه‌ای که محیط سیاسی – امنیتی نظام بین‌الملل را برای دهه‌های آینده تحت الشعاع خود قرار داده است.

این تجاوزات در زمانی انجام شد که جمهوری اسلامی ایران با وجود بی‌اعتمادی لیکن با هدف اثبات حسن نیت خود و دور نگه داشتن سایه جنگ از منطقه و سرایت به دیگر مناطق، حاضر به مذاکره با آمریکا گردید.

آمریکا و رژیم صهیونیستی در بدعتی خطرناک و اقدامی غیراخلاقی و نامشروع، علاوه بر ترور و به شهادت رساندن رهبر عالیقدر سیاسی و دینی کشور بعنوان رئیس حکومت که مطابق قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی از مصونیت مطلق برخوردار است، مبادرت به تخریب اماکن غیر نظامی و زیرساخت‌های حیاتی کشور از جمله مدارس، بیمارستان‌ها، کارخانجات صنعتی، فرودگاه‌ها، پل‌ها، خطوط راه آهن، مراکز درمانی و آموزشی و حتی اماکن مذهبی و آثار تاریخی نمود.

بدون تردید این تجاوز نه تنها نقض آشکار اصل منع توسل به زور مندرج در بند چهار ماده دوم منشور ملل متحد و نیز فصل ششم منشور در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و همچنین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و رژیم‌های حقوقی مرتبط به شمار می‌رود، بلکه فراتر از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یک جنایت جنگی و تروریسم دولتی تلقی شده و علاوه بر پیامدهای ویرانگر بر صلح و امنیت منطقه‌ای، تلاش‌های جمعی ما برای دستیابی به صلحی پایدار را با چالش مواجه ساخته است.

حضار گرامی؛

بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران با اتکا به ظرفیت‌های گسترده دفاعی بومی، راهبردهای جنگ ناهمتراز و انسجام ملی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد خود، در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع مبتنی بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد؛ اقدامات متناسبی را برای دفاع از امنیت، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود بر اساس اصول تناسب، اتخاذ نمود، بنحوی که معادلات اولیه طراحی‌شده توسط متجاوزان را با شکست مواجه نموده است.

چالش خانواده ایرانی: تضاد سنت و مدرنیته



می‌شوند. تضاد میان «آیفون در دست» و «تعصب در ذهن»، نشان‌دهنده یک توسعه‌ی کاریکاتوری است که در آن، فرم زندگی تغییر کرده اما محتوای اندیشه همچنان در قرون گذشته ساکن است.

سرگردانی میان «باستان‌گرایی» و «جهانی‌شدن» انسان ایرانی در جستجوی هویت خویش، مدام میان سه لایه‌ی هویتی در نوسان است؛ «هویت ملی-باستانی»، «هویت دینی-سنتی» و «هویت مدرن جهانی». ناتوانی در آشتی دادن این سه لایه، نوعی اضطراب وجودی ایجاد کرده است.

گاه برای فرار از فشارهای مدرنیته، به شکوه باستان پناه می‌بریم و گاه برای رهایی از سنت، در مظاهر افراطی جهانی‌شدن غرق می‌شویم. این نوسان پاندولی، مانع از شکل‌گیری یک هویت ملی منسجم و پویا شده است. جامعه‌ای که تکلیفش با گذشته‌اش روشن نیست، نمی‌تواند برای آینده‌اش نقشه‌ای دقیق ترسیم کند. این سرگردانی، خود را در قالب نوستالژی افراطی برای گذشته یا بیگانگی کامل با ریشه‌ها نشان می‌دهد.

در جامعه‌ی سنتی، اخلاق بر پایه‌ی شرم و نظارت جمعی و وجدان فردی استوار بود. در جامعه مدرن، علاوه بر آنها اخلاق باید بر پایه قانون هم بنا شود. در وضعیت فعلی ما، اخلاق مبتنی بر نظارت جمعی به دلیل بزرگ شدن شهرها و گمنامی افراد تضعیف شده، اما اخلاق مبتنی بر قانون و وجدان فردی هنوز نهادهی نگشته است. یعنی بعضاً هم مدل قبل را از دست داده ایم هم به مدل جدید دست پیدا نکرده ایم. این «خلأ اخلاقی» منجر به بروز ناهنجاری‌هایی شده است. افراد در جایی که احساس کنند دیده نمی‌شوند، به راحتی حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارند، چون دیگر نه از «شرم سنتی» خیری هست و نه

جامعه ایران در سده‌ی اخیر، صحنه یکی از پیچیده‌ترین رویارویی‌های تاریخی میان ارزش‌های کهن و الگوهای نو زیستن بوده است. این مواجهه، مشابه تجربه بسیاری از جوامع توسعه‌یافته، نه به شکل یک گذار آرام و منطقی، بلکه به صورت یک گسست ناگهانی و اصطکاک دائمی رخ داده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری نوعی هویت چهل‌تکه است که در آن، فرد میان وفاداری به ریشه‌های سنتی و اشتیاق به مواهب مدرنیته دستوپا می‌زند.

نخستین و عیان‌ترین جلوه‌ی این تضاد، در دوگانگی میان فضای خصوصی خانه و فضای عمومی جامعه نهفته است.این زیست دوگانه منجر به فرسایش روانی و شکل‌گیری نوعی ریاکاری ناخواسته شده است. وقتی ارزش‌های حاکم بر فضای رسمی با واقعیت‌های زندگی برخی افراد همخوانی ندارد، فردیت انسان دچار انشقاق می‌شود. این گسست، نه تنها صداقت اجتماعی را هدف قرار می‌دهد، بلکه باعث می‌شود که مفاهیمی چون قانون و عرف معنای یگانه خود را از دست بدهند و هر کس بر اساس مصلحت لحظه‌ای، میان این دو جهان جابه‌جا شود.

تضاد میان «آیفون در دست» و «تعصب در ذهن»، نشان‌دهنده یک توسعه‌ی کاریکاتوری است که در آن، فرم زندگی تغییر کرده اما محتوای اندیشه همچنان در قرون گذشته ساکن است

بحران اقتدار در خانواده: نبرد میان «پدرسالاری» و «فردگرایی»

خانواده به عنوان هسته مرکزی جامعه، بیشترین چالش را در تضاد سنت و مدرنیته پذیرفته است. در الگوی سنتی، اقتدار هرمی از بالا به پایین و اولویت جمع بر فرد، تضمین‌کننده‌ی ثبات بود. اما با ورود مفاهیم مدرنی نظیر «حقوق فردی»، «استقلال زنان» و «شکاف آگاهی نسلی»، این هرم متزلزل شده است.

امروز ما با نسلی روبرو هستیم که دیگر به صرف «سن» یا «جنسیت»، اقتدار کسی را نمی‌پذیرد. این چالش، منجر به بروز تنش‌های عمیق عاطفی میان والدین و فرزندان شده است. والدینی که همچنان با کدهای اخلاقی دهه‌های گذشته می‌اندیشند، در برابر فرزندان قرار دارند که جهان‌بینی‌شان در فضای سیال دیجیتال شکل گرفته است. این «عدم درک متقابل» باعث شده است که خانواده از کانون آرامش به میدان نبردی خاموش میان «تکلیف‌گرایی سنتی» و «حق‌طلبی مدرن» تبدیل شود.نمونه شروع این روند در آثار سینمایی و تلویزیونی دهه هفتاد شمسی سریال پدر سالار بود.

«خانواده ایرانی» بیشترین چالش را در تضاد سنت و مدرنیته تجربه می‌کند

گلزار ناقص: مدرنیته در ابزار، سنت در اندیشه

یکی از گره‌های اصلی توسعه در ایران، پذیرش «میوه‌های مدرنیته» نظیر تکنولوژی، رفاه ابزار و هم‌زمان، رد کردن «ریشه‌های مدرنیته» یعنی عقلانیت، نقد، مدارا است. جامعه به شدت مشتاق داشتن آخرین دستاوردهای فناوری است، اما در زمان مواجهه با پیامدهای فرهنگی آن نظیر آزادی بیان یا کثرت‌گرایی، به لاک دفاعی سنتی فرو می‌رود. این وضعیت، پدیده‌ای را ایجاد کرده است که می‌توان آن را سنت‌گرایی مجهز به تکنولوژی نامید. در این پارادایم، ابزارهای مدرن نه برای رهایی ذهن، بلکه برای تحکیم پیش‌داوری‌های قدیمی به کار گرفته



از کتاب فلسفه تا متن قانون اساسی

به مناسبت چهلمین روز شهادت فیلسوف شهید، دکتر علی لاریجانی، نشست علمی با عنوان «نسبت فلسفه و تمدن در تأسیس انقلاب و پایداری: جمهوری اسلامی در رقابت تمدنی با غرب» با حضور دکتر محمد باغستانی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در سالن اجتماعات این پژوهشگاه برگزار گردید. این نشست که با حضور جمعی از پژوهشگران، اساتید فلسفه و طلاب علاقمند به اندیشه سیاسی اسلام برگزار شد، کوشید تا پاسخی فلسفی به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های معاصر ایران بدهد: چرا انقلاب اسلامی بر خلاف بسیاری از انقلاب‌های بزرگ تاریخ، نه تنها فرو نپاشید، بلکه به الگویی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی بدل شد.

باغستانی در ابتدای سخنان خود با اشاره به اینکه «هر تمدنی ریشه در یک فلسفه دارد»، اظهار داشت: «تمدن غرب مدرن، بر پایه فلسفه اومانیسم، سکولاریسم و اصالت بشر بنا شده است. اما آنچه در جهان اسلام به عنوان یک غفلت استراتژیک وجود داشت، این بود که فلسفه را امری حاشیه‌ای و صرفاً ذهنی می‌پنداشتند. بسیاری از جریان‌های فکری در جهان عرب تصور می‌کردند که می‌توان بدون پشتوانه فلسفی عمیق، تمدنی ساخت؛ اشتباهی که بهای سنگینی برای آن پرداختند.»

وی سپس به ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «تفان عظیمی که در ایران رخ داد، این بود که فلسفه چندصدها ساله اسلامی – از ملاصدرا و حکمت متعالیه تا علامه طباطبایی و نهایتاً امام خمینی(ره) – از انزوای کتابخانه‌ای و در سگفتارهای صرف نظری خارج شد و به زبان «انقلاب» و «نظام سیاسی» تبدیل گشت. این نخستین بار در تاریخ معاصر بود که یک نظام مردم‌پایه، اصولی چون اصالت وجود، حرکت جوهری و تشکیک در وجود را نه به عنوان مفاهیمی انتزاعی، بلکه به عنوان مبانی طراحی یک تمدن نوین به کار گرفت.»

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ادامه به نقش این مبانی فلسفی در مرحله تأسیس جمهوری اسلامی پرداخت و تصریح کرد: «بسیاری از چالش‌برانگیزترین مباحث در تدوین قانون اساسی – از نسبت ولایت فقیه با دموکراسی گرفته تا نسبت آزادی با عبودیت و حقوق مردم به حاکمیت دینی – ریشه در مبانی عمیق حکمت متعالیه و فلسفه سیاسی عرفانی امام داشت. نظریه ولایت فقیه که امام خمینی(ره) در نجف تقریر کردند، یک مفهوم صرفاً فقهی نبود؛ بلکه امتداد فلسفی و عرفانی بحث «انسان کامل» و «توحید سیاسی» بود. بدون درک این پشتوانه فلسفی، فهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ناممکن است.»

باغستانی در بخش دیگری از سخنان خود به جایگاه جمهوری اسلامی در رقابت تمدنی با غرب اشاره کرد و با تأکید بر اینکه این رقابت در سطحی فراتر از اقتصاد و فناوری جریان دارد، اظهار داشت: «تمدن غرب در یک کلمه خلاصه می‌شود: اومانیسم؛ یعنی انسان بنیاد. اما تمدن اسلامی که جمهوری اسلامی پرچمدار احیای آن در عصر حاضر است، در یک کلمه خلاصه می‌شود: توحید. این دو تمدن نه در سطح تولید ناخالص داخلی یا موشک و ماهواره، بلکه در عمیق‌ترین لایه ممکن یعنی «روایت از انسان و نسبت او با خدا و هستی» با یکدیگر رقابت می‌کنند.»

وی افزود: «رمز اینکه چرا جمهوری اسلامی توانسته در این رقابت کلان، «موقعیت تمدنی ممتازی» کسب نماید، دقیقاً آنکا به همین پشتوانه فکری و فلسفی است. غرب امروز با سلاح علوم انسانی سکولار، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی مبتنی بر مبانی خود، در کشورهای اسلامی نفوذ می‌کند. اگر ما علوم انسانی‌ای فاقد پشتوانه فلسفه اسلامی را ترویج دهیم، عملاً در این رقابت تمدنی به نفع غرب دست کشیده‌ایم.»

سخنران نشست در پاسخ به این پرسش که «چرا نظام‌های انقلابی دیگر مانند انقلاب فرانسه یا انقلاب کمونیستی روسیه به ضد انقلاب یا استبداد بدل شدند، اما جمهوری اسلامی استوار ماند؟»، خاطرنشان کرد: «انقلاب فرانسه فلسفه عقل‌گرایی دکارتی داشت؛ فلسفه‌ای که کار خود را با «شک» آغاز کرد و به «هن می‌اندیشیم» رسید. این فلسفه در عمل به ترور و نهایتاً دیکتاتوری ناپلئونی انجامید. انقلاب کمونیستی روسیه نیز مبتنی بر فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک بود که با نفی توافیق‌بیک و دین، سرانجام به استبداد استالینی و فروپاشی کشید. اما انقلاب اسلامی مبتنی بر فلسفه‌ای است که در عین عقلانیت، معنویت و عدالت را توأمان دارد.»

وی در ادامه به نقش ذخایر فلسفی در پایداری نظام تأکید کرد و گفت: «استمرار و پایداری جمهوری اسلامی به مدت بیش از چهار دهه، در برابر جنگ تحمیلی، ترور، تحریم‌های فلج‌کننده و تهاجم فرهنگی، مرهون وجود همین ذخایر غنی فلسفی است. آنچه به نظام ظرفیت «بحران‌پذیری» و «بحران‌سازی‌دایی» می‌دهد، صرفاً قدرت نظامی یا درآمدهای نفتی نیست؛ بلکه یک جهان‌بینی فلسفی است که به انسان و جامعه تحلیلی عمیق و غیرسطحی ارائه می‌کند.»

باغستانی هشدار داد: «اگر روزی این ذخایر فلسفی فراموش شود یا به حاشیه رانده گردد، نظام با چالش‌های بنیادینی روبرو خواهد شد که هیچ راه‌حل مدیریتی و اقتصادی نمی‌تواند جای خالی آن را پر کند. تجربه کشورهایی که انقلاب کردند اما مبانی فلسفی خود را از دست دادند، گویای این حقیقت تلخ است.»

فروغی «ناجی» محافل کافه‌نشین است، نه ایران



بسیاری از آزادی‌های نیم‌پند پس از مشروطه را قلع‌وقمع کرد. چگونه می‌توان مدعی «آگاهی» بود و کسی را ستایش کرد که با قلم و تدبیر خود، پایه‌های حکومتی را بنا نهاد که منتقدانش را در زندان‌ها با آمپول پزیشک احمدی به قتل می‌رساند؟ این تناقض ذاتی لیبرالیسم ایرانی است که در تئوری از آزادی دم می‌زند اما در عمل، زیر سایه «دیکتاتور مصلح» و کارگزارانش احساس امنیت می‌کند. فروغی برای آن‌ها «ناجی» است، چون الگوی موفقی از «طبیق با قدرت» را ارائه می‌دهد؛ او نشان می‌دهد که چگونه می‌توان هم فیلسوف بود و هم در خدمت ساختاری ماند که کمترین نسبتی با مبانی فلسفی آزادی ندارد. از سوی دیگر، باید به زمان‌شناسی این پروژه دقت کرد. چرا در میانه نبردهای هویتی و تمدنی معاصر، ناگهان چهره فروغی از غبار تاریخ بیرون کشیده می‌شود؟ پاسخ را باید در تلاش برای «نرمال‌سازی سازش» جستجو کرد. در منطق «آگاهی نو»، فروغی ناجی است چون «واقع‌گرا» بود؛ و واقع‌گرایی در این لغت‌نامه، یعنی پذیرش تفوق قدرت‌های بزرگ و حرکت در مدارکی که آن‌ها ترسیم می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند به جامعه ایرانی القا کنند که قهرمان واقعی، آن سربازی نیست که در مرزها جان می‌دهد یا آن دانشمندی که برای استقلال علمی می‌جنگد، بلکه آن دیپلماتی است که با یک نطق فرانسه در محافل بین‌المللی، «بقا» را به قیمت «استقلال» می‌خرد. این یک شیخون به غیرت ملی است که در لباس شیک یک مجله فکری عرضه می‌شود.

نایید فراموش کرد که فروغی عضو ارشد لژهای فراماسونری در ایران بود. این پیوند سازمانی، کلید فهم بسیاری از رفتارهای سیاسی اوست که در یادداشت‌های ستایش‌آمیز اخیر، تمعداً سانسور می‌شود. راز «ماندگاری» و «منجی‌نمایی» او را به عنوان مهرهای مورد اعتماد برای گذارهای تشکیلاتی‌ای بود که او را به عنوان نماینده ایران در محافل تاریخی حفظ می‌کرد. نشریه «آگاهی نو» با حذف این بخش از شناسنامه فروغی، در حال ارائه یک «تاریخ استریلیزه» و پاکیزه شده است که در آن، وابستگی‌های پنهان به عنوان «دیپلماسی هوشمندانه»

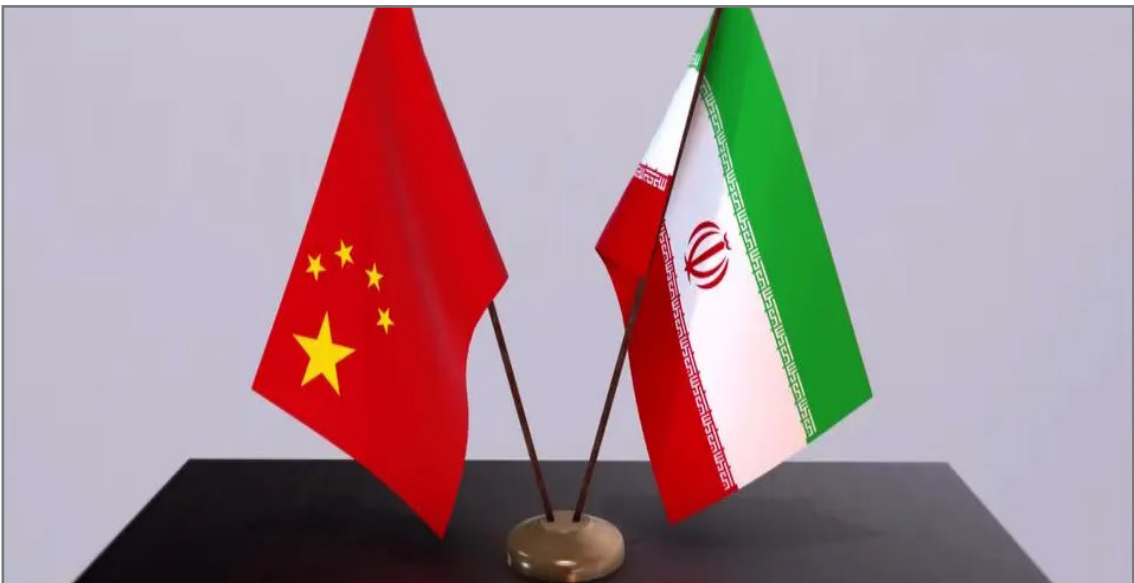
انتشار شماره اخیر نشریه «آگاهی نو» با تصویر محمدعلی فروغی در هیئت «منجی وطن»، بیش از آنکه یک اتفاق رسانه‌ای باشد، رونمایی از یک «استراتژی جدید نسیان» در بدنه روشنفکری لیبرال ایران است. این جریان که سال‌هاست در مواجهه با واقعیت‌های میدانی و مطالبات توده‌های مردم دچار انسداد شده، اکنون به «بیش قبر» تاریخی روی آورده تا از چهره‌ای که تمام حیات سیاسی‌اش در «کردیورهای قدرت لژنشین» گذشته، یک اسطوره ملی بسازد. این حرکت، نه یک بازخوانی علمی، بلکه یک «برندینگ سیاسی» برای تظهِیر مفهوم «تجدد آمرانه» است. آن‌ها می‌خواهند به مخاطب چنین القا کنند که نجات ایران نه در گرو اراده ملی و استنادی بر آرمان‌های بومی، بلکه در گرو ظهور تکنوکرات‌های کراوات‌پوشی است که زبان قدرت‌های جهانی را بهتر از زبان مردم خود می‌فهمند. این همان مغالطه‌ای است که قصد داریم در این وب‌جبهه به کالبدشکافی آن بپردازیم و بررسی‌م چگونه کسی که معمار انتقال قدرت از قاجار به پهلوی و تسهیل‌گر دیپلماسی در دوران اشغال است، ناگهان رزای منجی بر تن می‌کند؟

در نگاهی عمیق‌تر، این پروژه را باید در ذیل «بحران سوژه» در جریان روشنفکری غرب‌گرا تحلیل کرد. این جریان که از تولید ایده برای آینده ایران ناتوان مانده، به بازتولید نوستالژیک مهرهای بوروکرات پناه برده است. فروغی برای این طیف، نماد «سیاست‌ورزی در سایه» است؛ نوعی از سیاست که در آن مردم «توده نادان» فرض می‌شوند و سرنوشته کشور در اتاق‌های درسته و با چراغ سبز سفرآرتخانه‌ها رقم می‌خورد. برچسب «منجی» بر سینه فروغی، در واقع توهین به مفهوم منجی در فرهنگ سیاسی ایران است. منجی در وجدان جمعی ایرانیان، کسی است که از بطن رنج‌ها برمی‌خیزد و در برابر استعمار می‌ایستد، نه کسی که در میانه اشغال ایران توسط متفقین، به دنبال «نفاهم» با اشغالگران برای حفظ بقای ساختار سلطنت است. آنچه «آگاهی نو» منجی‌گری می‌نامد، در واقع «مدیریت تسلیم» بود که در آن زمان به عنوان تنها راه حل فروخته شد و امروز دوباره در زوروق «عقلانیت سیاسی» به خورد نسل جوان داده می‌شود.

فلسفه سیاسی نهفته در پشت این جلد، ستایش «فرمالیسم دیپلماتیک» در برابر «اصالت ملی» است. فروغی اگرچه در حوزه فرهنگ، ادبیی قاضل و مترجمی مسلط به سیر حکمت در اروپا بود، اما در ساحت عمل سیاسی، هرگز نتوانست از قامت یک «کارگزار وفادار» فراتر رود. او تکنسین انتقال قدرت بود، نه معمار حاکمیت ملی. جریان روشنفکری با خلط میحت میان «سواد آکادمیک» و «شجاعت سیاسی» سعی دارد از فروغی یک «فیلسوف‌شاه» بسازد؛ شخصیتی که گویی با خواندن دکارت و کانت، حق پیدا کرده است که بر سرنوشته ملتی حاکم شود که اساساً پیوندی با اندیشه‌های او نداشتند. این نگاه اشرافی به سیاست، همان نقطه‌ای است که لیبرالیسم وطنی را به استبداد منورالفکری پیوند می‌زند. آن‌ها معتقدند ایران به یک «بزرگ‌تر» نیاز دارد که آداب غرب را بداند، حتی اگر این بزرگ‌تر، جاده‌صاف‌کن دیکتاتوری پهلوی اول و تسلیم‌طلب پهلوی دوم باشد.

نکنه مضحک و در عین حال تامل‌برانگیز در این اسطوره‌سازی، نادیده گرفتن نقش فروغی در تثبیت استبداد رضاخانی است. فروغی نه یک ناظر بی‌پناه، بلکه مغز متفکر و تئورسین بنای سلطنتی بود که

نقش ماهواره‌های چینی در حملات ایران علیه آمریکا



گروه بین الملل عصرقانون:

چین در هفته‌های اخیر در حمایت از ایران با احتیاط عمل کرده است. در دوم مارس، سخنگوی وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که حملات آمریکا و اسرائیل «نقض حقوق بین‌الملل» است. در روزهای اخیر نیز شی جین‌پینگ، رهبر چین، در تماس با ولیمید عربستان تأکید کرده که خواهان باز ماندن تنگه هرمز برای عبور کشتی‌هاست. در عین حال گزارش‌هایی از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا منتشر شده که نشان می‌دهد چین در حال آماده‌سازی ارسال راکت‌های دوش‌پرتاب است؛ سلاح‌هایی که می‌توانند بالگردها و هواپیماهای کوارتفاع را هدف قرار دهند. با این حال، چین کمک اقتصادی، دیپلماتیک یا نظامی قابل توجهی ارائه نکرده و نقش مهم‌تر آن به‌طور غیرمستقیم و از طریق فضا شکل گرفته است.

تصاویر ماهواره‌های چینی شبکه‌های اجتماعی پر شده از تصاویر خاورمیانه که توسط ماهواره‌های چینی گرفته و توسط شرکت‌های این کشور منتشر شده‌اند. این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی تحت فشار دولت ترامپ دسترسی روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و فعالان را به داده‌های حیاتی متن‌باز محدود کرده‌اند. افزایش تصاویر چینی نشان‌دهنده پیشرفت قابل‌توجه این کشور در حوزه فناوری‌های مشاهده زمین است و عملاً به انحصار غرب بر تصاویر پیشرفته ماهواره‌ای پایان داده است. با این حال، برای تحلیلگران اطلاعات متن‌باز، این تصاویر هم فرصت‌اند و هم هشدار.

جنگ با ایران به فرصتی طلایی برای تبلیغ شرکت‌های ماهواره‌ای چینی تبدیل شده است. بیل گریر، تحلیلگر داده‌های جغرافیایی و هم‌بنیان‌گذار یک نهاد غیرانتفاعی در این حوزه، معتقد است محدودیت‌های دولت ترامپ بدون دلیل منطقی به رقبای آمریکا مزیت داده است. او می‌گوید آمریکا عملاً دسترسی شرکت‌های خود را محدود کرده، در حالی که رقابیش همچنان از مسیرهای دیگر به داده‌ها دسترسی دارند.

همکاری ماهواره‌ای با ایران

در هفته‌های اخیر، شواهد همکاری میان شرکت‌های ماهواره‌ای چینی و ایران افزایش یافته است. شرکت «چاینا سیوی»، وابسته به یک مجموعه دولتی بزرگ، تصاویر باکیفیتی از پایگاه‌های نظامی آمریکا و متحدانش تهیه کرده است. همچنین گزارش شده که سپاه پاسداران ایران یک ماهواره چینی خریداری کرده که احتمالاً منبع برخی تصاویر منتشر شده از نتایج حملات ایران بوده است.

علت حملات شدید ایران به کویت چه بود؟



ایدئولوژیک یا سیاسی با تهران و حزبالله لبنان همسو بوده‌اند. مقامات کویتی نگران‌اند که عناصر تندرو طرفدار ایران بتوانند در راستای اهداف تهران، بی‌ثباتی در کشور ایجاد کنند؛ مشابه آنچه در دوران جنگ ایران و عراق رخ داد.

در ۲۵ مارس، مقامات کویتی اعلام کردند که یک طرح مرتبط با حزبالله برای هدف قرار دادن رهبران کشور را خنثی کرده‌اند که شامل شهروندان کویتی و همچنین اتباع ایرانی و لبنانی بوده است. پیش‌تر نیز در ماه مارس، وزارت کشور کویت از خنثی‌سازی طرحی علیه زیرساخت‌های حیاتی و بازداشت ۱۰ شهروند کویتی مرتبط با حزبالله خبر داده بود.

درس‌هایی از اشغال ۱۹۹۱

تجربه اشغال کویت توسط عراق در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه این کشور به جنگ دارد. این تجربه سه درس کلیدی برای کویت به همراه داشت: نخست اینکه بی‌طرفی رسمی در برابر یک متجاوز مصمم کارساز نیست؛ دوم اینکه تضمین‌های امنیتی آمریکا در صورت فعال شدن می‌توانند سرنوشت‌ساز باشند؛ و سوم اینکه کشورهای کوچک نباید در عرصه



اختلاف نظرونس و هگست

■ نشریه آمریکایی آتلانتیک فاش کرد که جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا روایت خوش‌بینانه پنتاگون در خصوص ذخایر موشکی آمریکا در منطقه را در بحبوحه جنگ با ایران زیر سوال برد. در حالی که گزارش‌های رسانه ای حاکی از آن است که ذخایر تسلیحاتی واشنگتن به طرز نگران‌کننده‌ای پایین است، گزارش آتلانتیک فاش کرد که جی. دی. ونس، در جلسات خصوصی در مورد نحوه به تصویر کشیدن جنگ در ایران توسط پنتاگون ابراز تردید کرده است.

به گفته مقامات ارشد دولتی که با این نشریه گفتگو کرده‌اند، ونس صحت ادعاهای ارائه شده توسط پنتاگون در مورد روند جنگ را زیر سوال برده و در طول گفتگوهای خود با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، نگرانی‌های خود را در مورد در دسترس بودن سیستم‌های موشکی خاص این کشور ابراز داشته است.

به نوشته این روزنامه، برخی از نزدیکان ونس معتقدند که روایت پیت هگست وزیر جنگ آمریکا، در خصوص جنگ «پیش از حد مثبت» و «همراه کننده» بوده است.

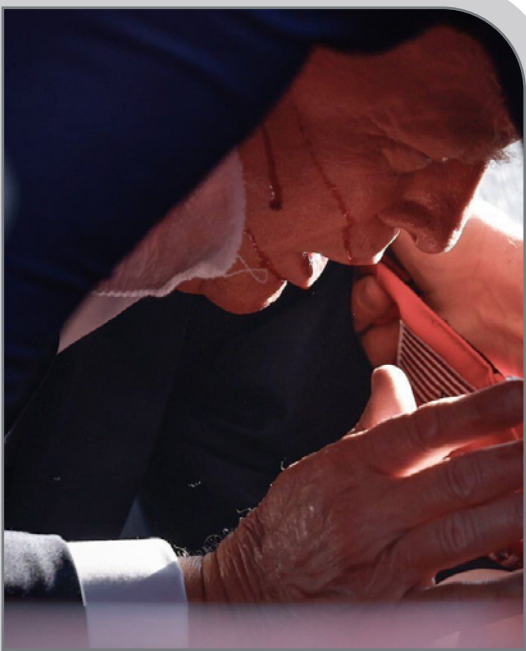
گزارش‌ها حاکی از آن است که نیروهای آمریکایی در چهار هفته اول حملات به ایران، بیش از ۸۵۰ موشک «تاماهاوک» شلیک کرده‌اند؛ برخی از منابع تعداد موشک‌های باقی‌مانده در منطقه را «به طرز نگران‌کننده‌ای پایین» توصیف کرده است.

مقامات مطلع از ارزیابی‌های اطلاعاتی گفتند که تصورات مثبت سران پنتاگون در بهترین حالت، تصویری ناقص از جنگ ارائه می‌دهد. مقامات آمریکایی اذعان دارند که ایران همچنان دو سوم نیروی هوایی خود، بیشتر توانایی پرتاب موشک خود و بیشتر قایق‌های کوچک و سریع خود را که تهران را قادر به مین‌گذاری می‌کند، حفظ کرده است.

این گزارش می‌افزاید که عواقب کاهش شدید ذخایر مهمات آمریکا می‌تواند وخیم باشد، زیرا نیروهای آمریکایی باید از همین ذخایر در برابر چین، کره شمالی و روسیه استفاده کنند.

بر اساس تحلیل‌های قبلی، تخمین زده می‌شود که ذخایر موشک‌های دوربرد آمریکا در صورت بروز یک درگیری بزرگ، تنها در سه هفته به پایان برسد.

این گزارش‌ها در حالی منتشر می‌شود که پیت هگست، وزیر جنگ و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا ادعا کرده اند که ذخایر تسلیحاتی آمریکا زیاد است. ترامپ نیز در یکی از دروغ پردازی‌های خود ادعا کرده است که ذخایر تسلیحات اصلی آمریکا «تقریباً نامحدود» است.



پایان جنگ ترامپ با ایران پس از ۶۰ روز؟

■ گروه بین الملل عصرقانون:

چین در هفته‌های اخیر در حمایت از ایران با احتیاط عمل کرده است. در دوم مارس، سخنگوی وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که حملات آمریکا و اسرائیل «نقض حقوق بین‌الملل» است. در روزهای اخیر نیز شی جین‌پینگ، رهبر چین، در تماس با ولیمید عربستان تأکید کرده که خواهان باز ماندن تنگه هرمز برای عبور کشتی‌هاست. در عین حال گزارش‌هایی از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا منتشر شده که نشان می‌دهد چین در حال آماده‌سازی ارسال راکت‌های دوش‌پرتاب است؛ سلاح‌هایی که می‌توانند بالگردها و هواپیماهای کوارتفاع را هدف قرار دهند. با این حال، چین کمک اقتصادی، دیپلماتیک یا نظامی قابل توجهی ارائه نکرده و نقش مهم‌تر آن به‌طور غیرمستقیم و از طریق فضا شکل گرفته است.

تصاویر ماهواره‌های چینی

شبکه‌های اجتماعی پر شده از تصاویر خاورمیانه که توسط ماهواره‌های چینی گرفته و توسط شرکت‌های این کشور منتشر شده‌اند. این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی تحت فشار دولت ترامپ دسترسی روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و فعالان را به داده‌های حیاتی متن‌باز محدود کرده‌اند. افزایش تصاویر چینی نشان‌دهنده پیشرفت قابل‌توجه این کشور در حوزه فناوری‌های مشاهده زمین است و عملاً به انحصار غرب بر تصاویر پیشرفته ماهواره‌ای پایان داده است. با این حال، برای تحلیلگران اطلاعات متن‌باز، این تصاویر هم فرصت‌اند و هم هشدار.

جنگ با ایران به فرصتی طلایی برای تبلیغ شرکت‌های ماهواره‌ای چینی تبدیل شده است. بیل گریر، تحلیلگر داده‌های جغرافیایی و هم‌بنیان‌گذار یک نهاد غیرانتفاعی در این حوزه، معتقد است محدودیت‌های دولت ترامپ بدون دلیل منطقی به رقبای آمریکا مزیت داده است. او می‌گوید آمریکا عملاً دسترسی شرکت‌های خود را محدود کرده، در حالی که رقابیش همچنان از مسیرهای دیگر به داده‌ها دسترسی دارند.

همکاری ماهواره‌ای با ایران

در هفته‌های اخیر، شواهد همکاری میان شرکت‌های ماهواره‌ای چینی و ایران افزایش یافته است. شرکت «چاینا سیوی»، وابسته به یک مجموعه دولتی بزرگ، تصاویر باکیفیتی از پایگاه‌های نظامی آمریکا و متحدانش تهیه کرده است. همچنین گزارش شده که سپاه پاسداران ایران یک ماهواره چینی خریداری کرده که احتمالاً منبع برخی تصاویر منتشر شده از نتایج حملات ایران بوده است.

افزایش حجم تصاویر چینی ناشی از رشد سریع تعداد ماهواره‌های این کشور است. چین تنها در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۲۰ ماهواره سنشش از دور به فضا فرستاده و مجموع آن‌ها را به بیش از ۶۴۰ رسانده است؛ رقمی که بعد از آمریکا در رتبه دوم جهان قرار دارد. در آمریکا، شرکت‌های ماهواره‌ای عمدتاً به فروش تصاویر به نهادهای نظامی و اطلاعاتی وابسته‌اند، اما در چین مرز میان بخش خصوصی و دولت بسیار مبهم‌تر است. بزرگ‌ترین منظومه ماهواره‌ای چین با نام «جیلین-۱» که بیش از صد ماهواره دارد، توسط شرکتی اداره می‌شود که ارتباط نزدیکی با ارتش چین دارد و هدف آن تصویربرداری از هر نقطه زمین هر ده دقیقه یک‌بار است.

رقابت چین با آمریکا

در رقابت بر سر برتری در مشاهده زمین، شرکت‌های آمریکایی و چینی تقریباً هم‌سطح هستند. برخی ماهواره‌های چینی تصویری با کیفیت مشابه بهترین نمونه‌های آمریکایی ارائه می‌دهند. کارشناسان می‌گویند چین در برخی قابلیت‌ها مانند دفعات بازگشت ماهواره به یک منطقه حتی جلوتر است و در فناوری‌های نوین مانند پردازش داده در فضا نیز هم‌تراز با آمریکا حرکت می‌کند. این وضعیت ممکن است با توجه به پیشرفت‌های پژوهشی چین در این حوزه، باز هم بهبود یابد. برخی شرکت‌ها مزایای همکاری با شرکت‌های چینی را در نبود محدودیت‌های سخت‌گیرانه غربی می‌دانند. اما در مقابل، شرکت‌های چینی نیز محدودیت‌های خاص خود را دارند و به‌گفته برخی کارشناسان، خارج از چارچوب خواست حزب کمونیست عمل نمی‌کنند. در برخی موارد، این موضوع به شفافیت بیشتر منجر شده و تصاویر چینی آسیب‌های وارده به تجهیزات نظامی آمریکا و تأسیسات انرژی در خلیج فارس را آشکار کرده است.

این نخستین‌بار نیست که تصاویر ماهواره‌ای چینی به کمک رقبای آمریکا می‌آید. در سال‌های گذشته، آمریکا برخی شرکت‌های چینی را به‌دلیل همکاری با گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی تحریم کرده، اما این تحریم‌ها تأثیر محدودی داشته‌اند و صنعت ماهواره‌ای چین همچنان در حال رشد است. در نهایت، اگرچه پیشرفت فناوری ماهواره‌ای می‌توانست به شفافیت بیشتر در جهان منجر شود، اما واقعیت این است که بسیاری از کشورها این فناوری را برای اهداف نظامی و اطلاعاتی توسعه می‌دهند. به‌گفته کارشناسان، نتیجه این روند بیشتر شدن نظارت متقابل کشورها بر یکدیگر است، نه افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات.

گاز طبیعی فشرده راهبردی‌ترین مسیر برای کنترل مصرف بنزین

■ مصرف بنزین در ایران در سال‌های اخیر به نقطه‌ای رسیده است که ادامه آن بدون تغییر سیاست‌های انرژی می‌تواند کشور را در برابر بحران‌های اقتصادی و تامین سوخت آسیب پذیر کند رشد مصرف در سالهای اخیر نشان می‌دهد که روند فعلی نه پایدار است و نه با ظرفیت تولید داخلی هماهنگ ایران در شرایطی قرار دارد که مدیریت هوشمند مصرف و جایگزینی سوخت‌ها به یک الزام تبدیل شده است و در چنین وضعیتی توسعه گاز طبیعی فشرده و همچنین تنوع بخشی به سبد سوخت کشور از مهم‌ترین محورهای سیاستگذاری انرژی به شمار می‌رود.

افزایش تعداد خودروهای شخصی توسعه شهرنشینی تغییر الگوی سفر و کاهش سهم حمل و نقل عمومی باعث شده است میزان مصرف بنزین با رشدی بیشتر از ظرفیت پالایشگاه‌ها افزایش یابد به طوری که تا پیش از سال ۱۴۰۵ فشار بر شبکه سوخت رسانی به شکل محسوسی افزایش یافته است و نشانه‌های ناپایداری در تراز بنزین کشور آشکار شده است این شرایط موجب شده است که راهکارهایی مانند توسعه CNG استفاده از سوخت‌های جایگزین و ایجاد تنوع در سبد انرژی اهمیت بیشتری پیدا کنند چرا که هیچ کشوری نمی‌تواند با اتکا به یک حامل انرژی اصلی حمل و نقل خود را اداره کند و در برابر شوک‌های احتمالی مقاوم بماند.

ایران از نظر منابع گاز طبیعی مزیتی کم نظیر دارد و همین موضوع باعث شده است که CNG به عنوان سوختی ارزان پاک و قابل اتکا در دسترس باشد با وجود این ظرفیت بزرگ سهم واقعی CNG در حمل و نقل کشور با توان بالقوه آن فاصله دارد بسیاری از جایگاه‌های موجود نیازمند نوسازی هستند برخی شهرها و مسیرهای بین شهری همچنان به اندازه کافی جایگاه CNG ندارند و روند تبدیل خودروهای بنزینی به دوگانه سوز به سرعتی که نیاز کشور اقتضا می‌کند انجام نشده است در صورتی که این مشکلات رفع شود CNG می‌تواند بخش قابل توجهی از فشار مصرف بنزین را کاهش داده و پایداری بیشتری به سیستم انرژی کشور بدهد.

اما مسئله اساسی تنها به توسعه CNG محدود نمی‌شود بلکه موضوع مهم‌تر ایجاد تنوع در سبد سوخت کشور است اتکالی بیش از حد به بنزین در حمل و نقل معادل اتکالی استراتژیک به یک ریسک ملی است و هر گونه اختلال در تولید واردات یا توزیع آن می‌تواند کل ساختار تردد شهری و بین شهری را دچار مشکل کند بسیاری از کشورها از جمله ترکیه چین هند و چندین کشور اروپایی با هدف کاهش وابستگی به یک سوخت واحد سیاست تنوع بخشی را در قالب توسعه LPG CNG لپز هیدروژن و سوخت‌های زیستی دنبال کرده‌اند این تنوع نه تنها امنیت انرژی را افزایش می‌دهد بلکه امکان مدیریت تقاضا را نیز فراهم می‌کند.

در ایران نیز چنین ضرورتی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود زیرا مصرف بنزین با آهنگی رو به افزایش ادامه یافته و فشار بر منابع ارزی کشور برای تامین بخشی از نیاز سوختی را بیشتر کرده است وقتی مصرف یک سوخت به نقطه‌ای برسد که ظرفیت تولید پاسخگوی آن نباشد کشور با باید سرمایه گذاری سنگین برای ساخت

پالایشگاه‌های جدید انجام دهد که فرایندی بسیار زمانبر و پرهزینه است یا باید مصرف را از طریق سیاست‌های جایگزین مدیریت کند راه دوم یعنی مدیریت تقاضا با استفاده از CNG و سایر سوخت‌های جایگزین منطقی‌تر سریع‌تر و اقتصادی‌تر است. تنوع بخشی در سبد سوخت همچنین به افزایش تاب آوری کشور در برابر نوسانات و بحران‌ها کمک می‌کند اگر کشوری تنها به یک حامل انرژی وابسته باشد کوچکترین نوسان در بازار جهانی یا محدودیت‌های داخلی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای ایجاد کند اما در صورت وجود گزینه‌های متعدد مصرف کنندگان می‌توانند به سرعت از یک سوخت به سوخت دیگر تغییر مسیر دهند و اثر شوک‌ها را کاهش دهند این موضوع برای ایران اهمیت خاصی دارد زیرا اقتصاد ملی تا حد زیادی متکی به انرژی است و هر اخالی در زنجیره تامین سوخت می‌تواند پیامدهای اجتماعی اقتصادی و امنیتی داشته باشد. در کنار این مسائل استفاده از CNG و سایر سوخت‌های جایگزین می‌تواند منجر به کاهش آلودگی هوا شود که به یکی از بحران‌های جدی شهرهای بزرگ تبدیل شده است گاز طبیعی در مقایسه با بنزین آلاینده‌ی بسیار کمتری دارد و استفاده گسترده از آن می‌تواند بهبود ملموسی در کیفیت هوا ایجاد کند آلودگی هوا هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و سلامت مردم تحمیل می‌کند و کاهش آن یک ضرورت ملی است نه یک انتخاب اختیاری.

افزون بر مزایای زیست محیطی CNG از منظر اقتصادی نیز برای کشور به صرفه‌تر است چرا که هزینه تولید و توزیع این سوخت پایین‌تر است و فشار پارانهای کمتری به بودجه دولت وارد می‌کند در شرایطی که هزینه‌های انرژی سهم بزرگی از بودجه را تشکیل می‌دهد هر اقدامی که بتواند پارانه پنهان سوخت را کنترل کند از اهمیت بالایی برخوردار است گسترش استفاده از این سوخت همچنین موجب آزاد شدن بنزین برای صادرات یا استفاده در بخش‌های ضروری می‌شود که خود درآمدزایی بیشتری برای کشور ایجاد می‌کند.

با همه این مزایا چرا توسعه CNG و تنوع بخشی سبد سوخت با سرعت مطلوب پیش نرفته است یکی از دلایل اصلی نبود مشوق‌های اقتصادی کافی برای بخش خصوصی است ساخت جایگاه‌های جدید هزینه قابل توجهی دارد و دوره بازگشت سرمایه در شرایط فعلی چندان جذاب نیست از طرف دیگر بخشی از شبکه موجود فرسوده است و نوسازی آن نیازمند سرمایه گذاری دولتی یا مشارکتی است همچنین عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف اجرایی و نبود یک سیاست یکپارچه در حوزه سوخت باعث شده است سرعت اقدامات کمتر از نیاز واقعی کشور باشد برای عبور از این وضعیت باید نظام انگیزشی روشنی برای سرمایه گذاران ایجاد شود و دولت نیز نقش حمایتی فعالی در توسعه زیرساخت‌ها بر عهده بگیرد.

در این میان موضوع تبدیل خودروهای بنزینی به دوگانه سوز نیز اهمیت دارد بسیاری از خودروها قابلیت فنی تبدیل شدن به مصرف کننده CNG را دارند اما فرایند تبدیل هنوز به دلیل محدودیت مراکز هزینه بالای تبدیل و نبود طرح‌های تشویقی کافی گسترش نیافته است تجربه طرح‌های گذشته نشان داده است که اجرای برنامه‌های

شبکه برق عدد قابل توجهی است. به همین دلیل کارشناسان انرژی معتقدند اصلاح عادات‌های مصرفی می‌تواند در کاهش فشار بر شبکه برق نقش مؤثری داشته باشد.

در زمان‌های اوج مصرف که تقاضای برق در بالاترین سطح قرار دارد، حتی کاهش چند درصدی مصرف می‌تواند تأثیر بزرگی بر پایداری شبکه داشته باشد. بسیاری از کشورها به برنامه‌های مدیریت مصرف خود دقیقاً بر همین نکته تمرکز کرده‌اند. هدف این برنامه‌ها کاهش تقاضا در ساعات اوج مصرف از طریق تغییر رفتار مصرف‌کنندگان است؛ زیرا ساخت نیروگاه جدید معمولاً هزینه‌بر و زمان‌بر است، در حالی که اصلاح الگوی مصرف می‌تواند در کوتاه‌مدت نتیجه قابل توجهی داشته باشد.

تجربه کشورهای مختلف در مدیریت مصرف روشنایی

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مدیریت مصرف در بخش روشنایی می‌تواند نقش مهمی در کاهش تقاضای برق داشته باشد. در بسیاری از کشورها برنامه‌های ملی برای جایگزینی لامپ‌های پرمصرف با لامپ‌های کم‌مصرف یا LED اجرا شده است. این لامپ‌ها در مقایسه با لامپ‌های رشته‌ای قدیمی، مصرف برق بسیار کمتری دارند و در عین حال نور مشابهی تولید می‌کنند. به همین دلیل، استفاده گسترده از آن‌ها توانسته است مصرف برق بخش روشنایی را به طور قابل توجهی کاهش دهد.

علاوه بر تغییر فناوری، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی نیز در این کشورها نقش مهمی داشته است. برای مثال، در ژاپن پس از حادثه نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما در سال ۲۰۱۱، دولت این کشور برنامه‌ای برای کاهش مصرف برق اجرا کرد که بر تغییر رفتار مصرف‌کنندگان تمرکز داشت. در این برنامه از شهروندان خواسته شد مصرف برق خود را کاهش دهند، چراغ‌های غیرضروری را خاموش کنند و از روشنایی طبیعی بیشتر استفاده کنند. این برنامه که با عنوان صرفه‌جویی در برق شناخته شد، توانست در مدت کوتاهی مصرف برق در ساعات اوج را کاهش دهد و از فشار بر شبکه برق بکاهد.

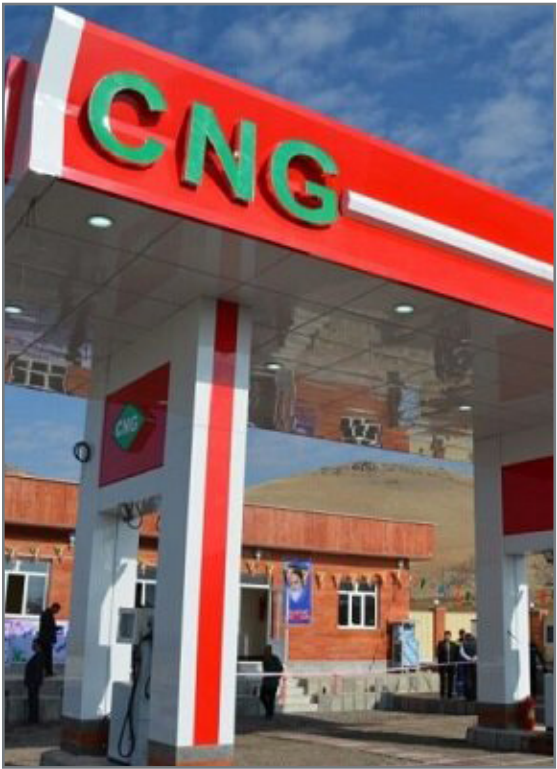
در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز قوانین و استانداردهایی برای بهینه‌سازی مصرف روشنایی در ساختمان‌ها تدوین شده است. در این کشورها علاوه بر استفاده از تجهیزات کم‌مصرف، از فناوری‌هایی مانند حسگرهای حرکتی و سیستم‌های هوشمند روشنایی استفاده می‌شود تا چراغ‌ها فقط در زمان حضور افراد روشن باشند.

چنین راهکارهایی باعث می‌شود مصرف برق به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کند.

اصلاح فرهنگ مصرف؛ گامی ساده برای کاهش نارتازی انرژی

اگرچه توسعه زیرساخت‌های تولید برق و بهبود شبکه انتقال اهمیت زیادی دارد، اما کارشناسان انرژی معتقدند بدون اصلاح فرهنگ مصرف، حل مشکل نارتازی انرژی دشوار خواهد بود. رفتارهای ساده‌ای مانند خاموش کردن چراغ‌ها هنگام خروج از اتاق، استفاده از نور طبیعی در طول روز و کاهش روشنایی‌های غیرضروری می‌تواند نقش مهمی در کاهش مصرف برق داشته باشد.

در بسیاری از خانه‌ها و محیط‌های کاری، با کمی توجه می‌توان میزان



تبدیل رایگان یا کم هزینه می‌تواند سهم CNG را در مدت کوتاهی افزایش دهد و مصرف بنزین را کاهش دهد این اقدام به ویژه برای خودروهای خدماتی تاکسی‌ها و ناوگان عمومی اهمیت حیاتی دارد زیرا این خودروها بیشترین مصرف روزانه را دارند و تبدیل آنها بیشترین تأثیر را بر کاهش مصرف بنزین خواهد داشت.

نکته مهم دیگر این است که تنوع بخشی در سبد سوخت تنها به معنای جایگزینی CNG با بنزین نیست بلکه باید مجموعه‌ای متنوع از گزینه‌ها شامل برق؛ هیدروژن؛ LPG و حتی سوخت‌های زیستی در کنار گاز طبیعی در نظر گرفته شود البته سهم هر یک از این سوخت‌ها باید بر اساس مزیت‌های نسبی اقتصاد ملی و زیرساخت موجود تعیین شود برای مثال ایران در زمینه تولید برق با چالش‌هایی روبه رو است اما برای توسعه CNG مزیت قطعی دارد و همین امر باعث شده است که اولویت کوتاه مدت و میان مدت توسعه CNG باشد و سایر سوخت‌ها نیز به مرور زمان سهم بیشتری پیدا کنند. تنوع بخشی سبد سوخت همچنین موجب افزایش رقابت میان حامل‌های انرژی می‌شود رقابت میان سوخت‌ها به پهنه شدن قیمت‌ها بهبود کیفیت خدمات و افزایش کارایی شبکه سوخت رسانی منجر خواهد شد در نبود تنوع هرگونه اختلال در شبکه بنزین می‌تواند کل سیستم حمل و نقل را مختل کند اما در یک سیستم متنوع مصرف کنندگان اختیار انتخاب دارند و شبکه نیز انعطاف بیشتری نسبت به شرایط نشان می‌دهد.



مصرف برق را کاهش داد. استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف، انتخاب تعداد مناسب منابع نوری برای هر فضا و توجه به طراحی مناسب روشنایی از جمله اقداماتی است که می‌تواند مصرف برق را کاهش دهد. در کنار این موارد، افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت مدیریت مصرف انرژی نیز ضروری است.

نکته مهم این است که بحران انرژی تنها به ظرفیت نیروگاه‌ها یا میزان تولید برق محدود نمی‌شود. نحوه استفاده از انرژی نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

اگر هر مصرف‌کننده تنها بخشی از مصرف غیرضروری خود را کاهش دهد، مجموع این کاهش در سطح ملی می‌تواند بسیار قابل توجه باشد. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان معتقدند مدیریت مصرف، به ویژه در بخش‌های ساده‌ای مانند روشنایی، یکی از سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌ها برای کاهش فشار بر شبکه برقی است.

در نهایت باید گفت روشن ماندن چراغ‌های بی‌دلیل شاید در نگاه اول مسئله‌ای کوچک به نظر برسد، اما همین رفتار کوچک وقتی در مقیاس ملی تکرار شود، می‌تواند تأثیر بزرگی بر مصرف انرژی داشته باشد. اصلاح این عادت‌ها نه تنها به کاهش هزینه‌های انرژی کمک می‌کند، بلکه در پایداری شبکه برق و حفظ منابع انرژی نیز نقش مهمی دارد. تغییر الگوی مصرف از همین رفتارهای ساده آغاز می‌شود و می‌تواند گامی مؤثر در مسیر مدیریت بهتر انرژی در کشور باشد.



واردات جدید در راه است

■ تامین پایدار مواد اولیه پتروشیمی برای صنایع پایین‌دستی همواره یکی از ارکان مهم تولید ملی محسوب می‌شود و بروز هرگونه اختلال در آن می‌تواند بازارهای مصرف را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا، احمد مهدوی ابهری، دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران، در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار مهر به تشریح وضعیت تامین نیاز بخش‌های آسیب‌دیده صنعت، روند واردات، تنظیم بازار محصولات استراتژیک پلیمری و دلایل نوسانات قیمتی اخیر پرداخته است.

وی با تأکید بر اینکه واردات مواد اولیه مورد نیاز بخش‌های آسیب‌دیده از پیش آزاد بوده و نیازی به صدور مجوز جدید ندارد، از تشکیل کارگروه مشترکی با وزارت صمت برای تسهیل واردات توسط پتروشیمی‌ها، تجار و مصرف‌کنندگان خبر داد. مهدوی ابهری درباره محصول استراتژیک «پت» نیز اطمینان داد که عرضه آن در بورس کالا بدون وقفه ادامه دارد و علاوه بر موجودی انبارهای پتروشیمی تندگویان، محموله‌های وارداتی نیز در راه است.

او ریشه نوسانات قیمتی اخیر را نه کمبود عرضه مواد اولیه، بلکه رقابت کاذب و عطش تقاضای خریداران دانست که با توجه به قیمت‌های جهانی صورت می‌گیرد.

دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی همچنین با اشاره به تأمین بی‌درغده مواد اولیه صنایع شونیده، اعلام کرد که مقداری کمبود در بخش سایر پلیمرها (به استثنای پلی‌اتیلن‌ها) وجود دارد که به زودی از طریق واردات بدون انحصار جبران خواهد شد.

وی در بخش مهم دیگری از سخنان خود خاطرنشان کرد که به دلیل ملاحظات امنیتی و جلوگیری از سوءاستفاده در شرایط جنگ رسانه‌ای و اقتصادی، زمان دقیق بازگشت واحدهای آسیب‌دیده به مدار تولید اعلام نخواهد شد، اما تلاش‌های فراوانی برای بهبود سریع شرایط در حال انجام است.

با توجه به اهمیت راهبردی تنظیم بازار محصولات پتروشیمی و تأثیر مستقیم آن بر بهای تمام‌شده کالاها در طیف وسیعی از صنایع پایین‌دستی و بسته‌بندی، بررسی دقیق‌تر چالش‌ها و راهکارهای اتخاذ شده در این خصوص ضرورت دارد. برای آگاهی از جزئیات بیشتر این گفتگوی اختصاصی و اطلاع از برنامه‌های آینده این صنعت، می‌توانید مشروح این مصاحبه را در ادامه بخوانید. عدم نیاز به صدور مجوز جدید برای واردات مواد اولیه در بخش‌های آسیب‌دیده

تامین مواد اولیه پتروشیمی برای صنایع پایین‌دستی همواره یکی از ارکان مهم تولید ملی محسوب می‌شود. در همین راستا، احمد مهدوی ابهری، دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران، با اشاره به روند تامین نیاز بخش‌های آسیب‌دیده صنعت، توضیح داد که برای واردات مواد مورد نیاز، نیازی به صدور مجوز جدید نبوده است.

وی با تأکید بر اینکه واردات این اقلام از پیش آزاد بوده و منعی در این زمینه وجود نداشته است، تصریح کرد: هم‌اکنون یک کارگروه مشترک با وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) تشکیل شده است و تمامی شرکت‌های پتروشیمی و همچنین تجار آمادگی کامل دارند تا اقلامی را که با کمبود آن‌ها مواجه هستیم، وارد کنند.

دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران در ادامه افزود: علاوه بر این، هماهنگی‌های لازم در حال انجام است تا حتی مصرف‌کنندگان این مواد نیز بتوانند نیازهای خود را مستقیماً وارد کنند و هیچ‌گونه مشکلی در این مسیر وجود ندارد.

تداوم عرضه محصول «پت» در بورس کالا و رفع نگرانی‌ها از انحصار

محصول پلی‌اتیلن ترفتالات (PET) یکی از مواد پلیمری استراتژیک در صنایع بسته‌بندی است که تداوم تامین آن برای بازار داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهدوی ابهری در خصوص وضعیت تامین این محصول و رفع نگرانی‌ها پیرامون انحصار تولید آن توسط پتروشیمی تندگویان، خاطرنشان کرد که در حال حاضر هیچ‌گونه مشکلی در زمینه تامین پت وجود ندارد و روند عرضه این محصول در بورس کالا بدون وقفه در حال انجام است.

وی با تأیید این موضوع که محصول پت به صورت انحصاری در اختیار پتروشیمی تندگویان بوده است، افزود: در حال حاضر این شرکت محصولات موجود در انبارهای خود را به بازار عرضه می‌کند و خللی ایجاد نخواهد شد.

دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران همچنین تصریح کرد: محموله‌هایی از کالاهای مختلف، از جمله پت، در مسیر ایران هستند که هم توسط تجار و هم از سوی خود شرکت‌های پتروشیمی در حال واردات است. با این حال، در صورت نیاز بازار در فصل گرما، واردات بیشتری نیز صورت خواهد گرفت و جای هیچ‌گونه نگرانی در این باره نیست.

عطش تقاضا و رقابت خریداران؛ عامل اصلی نوسانات قیمتی نوسانات قیمتی مواد اولیه پتروشیمی بعضاً موجب افزایش بهای تمام‌شده در صنایع پایین‌دستی از جمله تولیدکنندگان روغن‌های صنعتی و خوراکی می‌شود. مهدوی ابهری در واکنش به اظهارات برخی تولیدکنندگان مبنی بر تأثیر افزایش قیمت «پت» بر قیمت محصولاتشان، ریشه این افزایش قیمت‌ها را در رقابت کاذب خریداران دانست و نه کمبود عرضه مواد اولیه.

گیشه جهانی سینما در اختیار ((مایکل))



باب دیلن ((کاملأ ناشناخته))، باب مارلی ((یک عشق)) و بروس اسپرینگستین ((مرا از هیچ کجا تحویل بگیر)) ساخته شد، اما از همه آنها با شور یکسانی استقبال نشد. به عنوان مثال، «مرا از هیچ کجا تحویل بگیر» به دلیل تمرکز بر یک فصل کمتر تجاری به جای نگاهی به ساخت بزرگترین آهنگ‌های این خواننده، با انتقاد مواجه شد.

«مایکل» اما با تکیه بر اجراهای نمادینی چون «بیلی جین»، «تیلر» و «بزن به چاک»، به فیلمی محبوب بدل شد. سینماورها ترجیح دادند این سکانس‌های هیجان‌انگیز را در بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین پرده‌ها تماشا کنند. به همین دلیل پرده‌های آی‌مکس به تنهایی ۱۳٫۸ میلیون دلار یا تقریباً ۱۴ درصد از فروش بلیت در آمریکای شمالی و ۲۴٫۵ میلیون دلار در سطح جهانی را به خود اختصاص داد و عنوان بزرگ‌ترین شروع این شرکت برای یک فیلم زندگینامه‌ای موزیکال را از آن خود کرد.

پل درگاردیان تحلیلگر ارشد سینمایی می‌گوید: سینماها برای فیلم‌های موسیقی محور عالی هستند و سیستم‌های صوتی فوق‌العاده آنها تجربه‌ای را ارائه می‌کند که به سادگی نمی‌توان در خانه آن را تکرار کرد. در عین حال لذت بردن از فیلم با دیگر طرفداران مایکل جکسون، به انرژی و هیجانی بدل شد که مردم را به سینماها کشاند. طرفداران جکسون مدتها پیش هنر را از هنرمند جدا کرده‌اند

این یک بحث قدیمی است: آیا می‌توان هنر را از هنرمند جدا کرد؟ با وجود ادعاهای کودکاژاری که دهه‌ها جکسون را آزار می‌داد، طرفدارانش بارها نشان داده‌اند که پاسخ به جدا کردن هنر از هنرمند مثبت است. بنیاد این خواننده، که تهیه‌کننده این فیلم است، با چندین تولید موفق، از جمله موزیکال سودآور برداوی «MJ» یکی از ۴ نمایش جدیدی را که پس از همه‌گیری کرونا هنوز در حال اجرا است، رقم زده. بدون این که به ادعاهایی علیه جکسون بپردازد. اگر تهیه‌کنندگان با ساخت دنباله این فیلم پیش بروند (و این به وضوح هدف آنهاست چون عبارت «داستان او ادامه دارد» در پایان فیلم ظاهر می‌شود)، مخاطبان ممکن است با سوال‌های ناراحت‌کننده‌ای روبه‌رو شوند و آن وقت باید دید آیا مردم برای تماشای فیلمی درباره دوره‌ای از زندگی جکسون که با جنجال و رسوایی پیش رفت، به سینما باز خواهند گشت؟

■ به نقل از وریایتی، «مایکل» فیلمی با تمرکز بر مایکل جکسون، در اولین آخر هفته اکران خود با ۹۷ میلیون دلار فروش در سینماهای آمریکا و ۲۱۷ میلیون دلار فروش جهانی، گیشه را به وجد آورد و فیلم شماره یک سینماهای جهان شد. این درام زندگینامه‌ای که محصول یونیورسال است موفق شد تا بازار چین را هم از آن خود کند و در آخر هفته‌ای که گذشت، با فروش ۳۲۶ میلیون یوان (۴٫۸ میلیون دلار) در صدر گیشه چین هم قرار گرفت تا نشان دهد با فیلم شماره ۲ فهرست فروش که یک فیلم درام داخلی با عنوان «خوب است» و ۱.۷ میلیون دلار فروخته، چقدر فاصله دارد.

این فیلم با درجه سنی PG-۱۳ به طرز چشمگیری از انتظاها فراتر رفت و بزرگ‌ترین افتتاحیه تاریخ برای هر فیلم زندگینامه‌ای موزیکال را رقم زد و به راحتی رکوردی را که مدت‌ها پیش توسط «مستقیم از کامپتون» سال ۲۰۱۵ (با افتتاحیه ۶۰ میلیون دلاری) ثبت شده بود، شکست. حالا انتظار می‌رود استودیوی سازنده حداقل به یک فیلم دیگر درباره زندگی جکسون چراغ سبز نشان دهد.

آدام فوگلسون رئیس بخش فیلم‌های سینمایی لاینزگیت، می‌گوید: قدرت نفوذ مایکل جکسون در فرهنگ غیرقابل انکار است و مردم در سینماها از آن لذت می‌برند.

فیلم «مایکل» که کارگردانی آنتوان فوکوآ، با بازی جعفر جکسون (برادرزاده خواننده که اولین تجربه بازیگری‌اش را پشت سر گذاشت)، رویایتگر سفر این هنرمند از گروه جکسون ۵ تا رسیدن به جایگاهی است که عنوان سلطان پاپ را برایش به ارمغان آورد. نقدهای منفی و دردرهای پرهزینه پشت صحنه، هیجان «مایکل» را که ناظران گیشه پیش‌بینی می‌کنند در فصل تابستان همچنان یکی از عوامل اصلی جذب مخاطب باقی بماند، خدشه‌دار نکرد.

اما چرا فیلم «مایکل» گیشه را به وجد آورده و دلیل اینکه نقدهای منفی نتوانستند فیلم زندگینامه مایکل جکسون را از مسیر خود خارج کنند، چیست؟

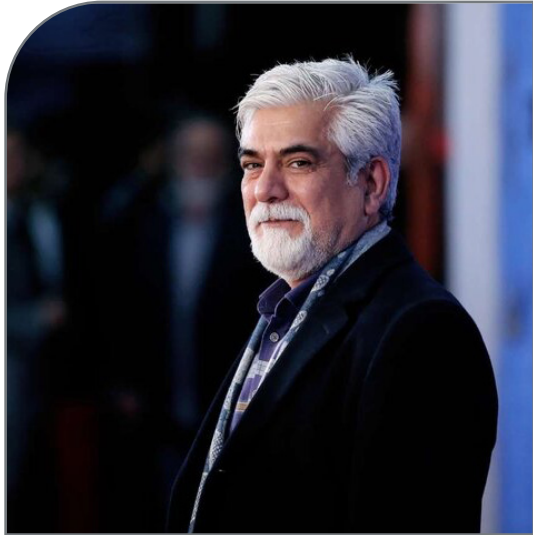
نمی‌توان جلوی یک فیلم پرطرفدار را گرفت

منتقدان شاکی هستند که «مایکل» تصویری شسته‌رفته از جکسون ترسیم می‌کند، زیرا قبل از متهم شدن او به کودکاژاری به پایان می‌رسد. (مایکل جکسون که سال ۲۰۰۹ درگذشت، همه اتهامات را رد کرده بود) خریداران بلیت این انتقاد را رد کردند. آنها «مایکل» را با نمره «A-» در نظرسنجی‌های سینماسکور جای دادند که امتیازی است که برای ماندگاری در گیشه خوب است.

«مایکل» یک محصول کوچک نبود و با هزینه نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار، یکی از گران‌ترین فیلم‌های زندگینامه‌ای تمام دوران است. (شرکت لاینزگیت هزینه‌های تولید فیلم را با توزیع‌کننده بین‌المللی، یونیورسال و بنیاد جکسون تأمین کرد) ابتدا این فیلم به یک پرونده شکایت سوءاستفاده جنسی از کودکان در سال ۱۹۹۳ علیه جکسون هم پرداخت و آن را به تصویر کشید، اما بعد تهیه‌کنندگان متوجه شدند که طبق یک بند از توافق با شاکی جوان، نمایش یا ذکر کردن از او در فیلم یا تلویزیون ممنوع شده است. پس این سکانس‌ها باید حذف می‌شدند. تعدیل فیلمنامه یک گرفتاری بزرگ بود که ده‌ها میلیون به هزینه افزود، اما در نهایت، نسخه‌ای که روی پرده سینما رفت، برای طرفداران موسیقی در هر سنی قابل تماشا شد.

لذت شنیدن ترانه‌های محبوب

مخاطبان جریان اصلی سینما لزوماً داستانی پر از جزئیات درباره چهره‌های مشهور موسیقی نمی‌خواهند. برخی فقط می‌خواهند احساس کنند که دارند از یک کنسرت لذت می‌برند و از راحتی صندلی‌های مخملی هم بهره می‌گیرند. این احساس بخشی از جذابیت فیلم «ایسودی بوهمی» محصول سال ۲۰۱۸ درباره گروه کوئین هم بود که ۹۱۱ میلیون دلار در سطح جهانی فروخت. از زمان موفقیت چشمگیر آن فیلم، فیلم‌های زندگینامه‌ای موزیکال زیادی درباره هنرمندانی مانند الویس پریسلی («الویس»)، ایمی واین‌هاوس («بازگشت به سیاهی»)،



رفقا بد رفوزه شدید!

■ حسین پاکدل نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر و سینما در یادداشتی که در صفحه مجازی خود نوشته نسبت به واکنش نشان ندادن برخی از هنرمندان و سکوت آنها در قبال حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران اعتراض کرد.

در این یادداشت آمده است:

«سکوت، همیشه سرشار از ناگفته‌ها نیست. گاهی نشان گُم‌شدن است. یا خودگم‌کردنی به‌عمد. نبود هیچ حرفی برای بیان. نشان بی‌خبری، واهمه و تعقیب دهم‌ده ده‌های غنیمت. فکرِ بعدهای احتمال محال. نشستن در انتظار سَمَت بادِ موافق. که سَمَت است در حقِ باد. خلاف ما منتظران تنه‌خور، بادِ منافعی دارد. این بی‌ادعا، زاینده چرخش‌هاست. از آسیاب تا توربین. ابرها حمل می‌کند بر پشت. موج‌ها رو می‌کند بر پهنه دریا. هوا، زمین و ما را تمیز و تازه می‌کند هردم. و هزار کار مفید. چِهَت و سرعت‌اش هم که معلوم است. هدف دارد و مقصد و مقصودی.

تکتک ما چه؟ از باد بهره برده و تنها باد در آستین و غَبَب و دماغ و گلو می‌اندازیم؟ یا روی‌هم‌رفته بادِ هواییم؟ فقط ادا؟ فروش فخر و مباحات؟ این‌جا کشور ما نبود و نیست؟ این مردم، این‌ها همان هواداران و مُشوقان ما نبودند و نیستند؟ آن‌گونه وهمناک زیر بمب و موشک و آوار و دلهره؟ باید شخصاً به باد فنا برویم تا به‌سرعت باد به‌خود تکان بدهیم؟ تا سکوتِ مصلحت بشکنیم، وامصیبتا کنیم و صدا به حلق دراندازیم؟

حادثه بَس مهیب بود و هنوز هست. هجوم تمام‌قد دو قانون و رحم‌شناس حرامی، تمام‌خواه. همراه خیل لشگر و تجهیزات. تحتِ حمایتِ ری‌ای همسایه. برپایه دروغ و تیرنگِ صهیونی. با نِتِ فروپاشی تمام و کمالِ ما. تحقیرِ تام و تمامِ هیبتِ ایران. برگشت‌دادنِ تمدنی بزرگ و بی‌مانند به عصرِ حجر، به تاریکی. کشتارِ خیلِ کودکانِ مظلومِ مدرسه. نابودیِ هرآنچه بود و هست. و چه و چه …

خدا را هزارمرتبه شکر، خوردند به سدِ محکمِ دفاع از غیرت، شرف و ناموس. تجاوزگرانِ ماندن‌اند در کارِ مَکرِ خود. رسوا شدند از دم. هر روز رسواتر.

همه را به تقریب همه می‌دانیم. اما از سنگ صدا درآمد از ما نه. منظور چهره‌های هزارگانه جلم‌جلات، فضاهای مُسخِ مجازی. از ما به‌تیران. تافته‌های جدابافته. اخم و لبخندهای گران‌بهای سُردرها، اهلِ برویسا، بَرند و تبلیغات، پایِ ثابتِ حراج‌ها. نام‌آشنایان صحنه‌های پر‌فروغِ موسیقی. دخیلان در نمایش‌های پرشکوه نام و نان‌آور و …

چند مورد اظهار نظرِ فردی و پی‌گیر، حضور جمعی چند وفادار به‌عهد با مردم، آن‌هم متین و موثرِ و صِنفی که ملاکِ سلبِ وظیفه اخلاقی از ما نیست.

روایتی مستند از حال و روز بازماندگان میناب

■ محمدصادق اسماعیلی مستندساز که این روزها مشغول ساخت فیلمی

درباره شهدای مظلوم میناب است، اظهار کرد: پس از حمله وحشیانه به مدرسه «شجره طیبه» میناب، تصمیم به ساخت مستندی با محوریت این رویداد گرفتیم و سفر پژوهشی را آغاز کردیم. از همان ابتدا متوجه شدیم که پیکر ۲ تن از دانش‌آموزان، ماکان نصیری و محمدطاه جعفری مفقودالامر است. در تعامل با خانواده‌ها، تصمیم گرفتیم مستندی اپیزودیک را به این ۲ خانواده و تلاش‌هایشان برای یافتن نشانه‌ای از فرزندانشان اختصاص دهیم.

وی ادامه داد: خانواده محمدطاه پس از آزمایش دی‌ان‌ای، نشانه‌ای از پیکر فرزندان‌شان را شناسایی کردند، اما ماکان برای همیشه مفقودالامر ما ند.

کارگردان مستند «آگیرا» درباره سوژه و خط داستانی مستندش گفت: آنچه کوشیدیم در فیلممان بسط دهیم، تجربه این خانواده‌ها از کنار آمدن با مفهوم مرگ و فقدان فرزندان‌شان است. همچنین تلاش کردیم به ابعاد مختلف شخصیتی این ۲ خانواده بپردازیم.

از ص تا ۲ شب همراه خانواده‌ای داغدار

وی درباره نحوه تعامل با خانواده‌ای داغ‌دیده برای ساخت مستند توضیح داد: تصور اولیه خانواده‌ها نسبت به تیم ما این بود که با یک گزارش خبری و مصاحبه کوتاه مواجه‌اند. در واقع ساخت این مستند و تعامل با خانواده‌ها یکی از سخت‌ترین تجربه‌های کاری من بود؛ زیرا ما به دنبال لایه‌های عمیق‌تری از درونیات آنها می‌گشتیم و باید ساعت‌ها و روزها در کنار هم زیست می‌کردیم. این مسئله کار ما را دشوار می‌کرد، چراکه خانواده‌ها در شرایط عادی نبودند و همزمانی کنار آمدن با این فقدان و حضور یک گروه مستندساز بسیار دشوار بود. ما باید به گونه‌ای خودمان را در آن شرایط سازماندهی می‌کردیم تا آنها ما را بپذیرند که این اتفاق هم رخ داد و ما از صبح تا ساعت ۲ شب همراه این خانواده‌ها در پی یافتن نشانی از فرزندان‌شان بودیم. این مستندساز گفت: تولید ما اکنون به پایان رسیده و به تهران بازگشته‌ایم. در حال حاضر در مراحل پس‌تولید قرار داریم. این مستند شامل ۲ اپیزود است که مستقل از یکدیگر نیستند و کاملاً در هم تنیده شده‌اند.

وی درباره پخش مستندش عنوان کرد: رویکرد اصلی ما حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی است.

کل شهر میناب داغدار است

کارگردان «گیسلو» درباره حال و هوای شهر میناب پس از این فاجعه



دغدغه ملی‌آهنگساز فقید

■ اگرچه در تعریف و تشریح آنچه بر موسیقی ملی ایران زمین گذشت می‌توان به گزارش‌های رسانه‌ای متعددی رجوع کرد و پی به علل کاهش مخاطب در این عرصه به دلیل سوءمدیریت‌ها و اشتباهات مختلف برد، اما یکی از بارزترین ویژگی‌هایی که رجعت دوباره به آنها حداقل می‌تواند یادآوری و بازخوانی مناسبی برای خوانش دوباره آثار موسیقایی در این عرصه باشد، تولید آثار ملی – میهنی متعددی است که طی سال‌های گذشته توسط هنرمندان دارای احترام و ارزشمند موسیقی ایرانی چه در قالب «آلبوم»، چه در قالب «تک‌آهنگ» و چه در قالب «یک اثر موسیقایی در یک آلبوم» پیش روی مخاطبان این حوزه قرار گرفته‌اند. آثاری که به دلیل هوشمندی آهنگساز، نوازنده و خواننده در انتخاب آثاری که برای تولید انتخاب کردند، این کارها را نه تنها تبدیل به ماندگارترین و ممتازترین آثار ملی – میهنی کردند، بلکه از آنها می‌توان به عنوان ممتازترین آثار موسیقایی در حوزه موسیقی ایرانی یاد کرد. آثاری که بسیاری از آنها فارغ از دیدگاه سیاسی – اجتماعی که در زمان انتشار خود داشتند و مخاطب می‌توانست به صلاحدید آنچه در روزگارش اتفاق افتاده از آن برداشته‌ای مختلفی قرار دارد، امری اجتناب ناپذیر است که می‌تواند فارغ از دل‌زدگی‌ها، دعواهای سیاسی، اختلافات درون گروهی، منازعات اجتماعی و تقابل رویکردهای مختلف اندیشه‌ای که پرداختن به آنها مجال دیگری می‌طلبد، شرایط روحی مناسبی را برای قرار از این التهاییات فراهم سازد که گوش دادن به آن هم باعث ایجاد روحیه وحدت طلبی و ایران دوستی و هم سبب شنیدن موسیقی می‌شود که روزی روزگاری نقل محافل و دستگامهای بخش صوتی خانه‌ها و اوتومبیل‌ها و مغازه‌ها بودند اما هم اینک در مهجورترین شکل ممکن میان موجی از آلودگی‌های صوتی نشأت گرفته از تولیدات نازل موسیقایی قرار گرفته‌اند.

دغدغه ملی آهنگساز فقید در «همه شهر ایران»/ توصیه‌هایی که باید جدی گرفت

آنچه در سلسله گزارش‌های «بازخوانی مهر از نواهایی برای میهن» مورد توجه قرار گرفته، رجعتی دوباره و اجمالی به آثار موسیقایی است که طی دهه‌های گذشته و سال‌های اخیر توسط هنرمندان ارزنده موسیقی کشورمان در سبک‌های مختلف پیش روی مخاطبان قرار گرفته‌اند و در این گزارش‌های رسانه‌ای بدون تقدم و تأخر زمانی به آنها می‌پردازیم، شرایطی که نقد و تحلیل و واگوی هر یک از این آثار دربرگیرنده ابعاد مختلفی بوده و همواره مورد توجه منتقدان، مدرسان و پژوهشگران این عرصه قرار گرفته‌اند اما در این گزارش‌ها تلاش می‌شود تا معرفی مختصری از آنها صورت پذیرد.

در پانزدهمین شماره از این مجموعه گزارش‌ها به سراغ پروژه «همه شهر ایران» با تنظیم و اجرای زنده یاد احمد پژمان به عنوان یکی از برترین موسیقی دان های کشورمان رفتیم که طی عمر پربارش آثار ماندگار فراوانی را در حوزه آهنگسازی سینما و دیگر بخش های موسیقی انجام داده و از وی می توان به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه یاد کرد که توانست نقش مهمی در توسعه و ترویج موسیقی علمی داشته باشد. مسیری که به واسطه تلاش او و همکارانش دربرگیرنده خروجی های موثری در عرصه های دانشگاهی و اجرایی بود و فضایی را فراهم ساخت که هنرمندان متعددی از دل مکتب پژمان به جامعه موسیقی و مخاطبانش معرفی شوند.

مرحوم احمد پژمان به دلیل خلق بسیاری از آثار ماندگار و دارای کیفیت در حوزه های آهنگسازی و پژوهش همواره به عنوان یکی از مهم ترین و جریان سازترین هنرمندان عرصه موسیقی ایران معرفی شده است. این آهنگساز متولد ۱۸ تیر ۱۳۱۴ بود که هفتم شهریور سال ۱۴۰۴ در لس آنجلس آمریکا دارفانی را وداع گفت. وی در دوران پهلویستان به فراگیری ویولن نزد حشمت سنجرى پرداخت و تئورى موسيقى را نیز نزد حسین ناصحى فرا گرفت.

دغدغه ملی آهنگساز فقید در «همه شهر ایران»/ توصیه‌هایی که باید جدی گرفت

وی در سال ۴۳ با اخذ بورسیه راهی اتریش شد و در آکادمی موسیقی وین به تحصیل آهنگسازی پرداخت. پژمان بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و به عنوان آهنگساز تالار رودکی و استاد موسیقی دانشگاه تهران به کار مشغول شد که از آثار او در این دوره می‌توان به «پرای جشن دهقان»، «پرای دلاور سپند» و «پرای سمندر» اشاره کرد.

این هنرمند در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیلات در مقطع دکتری آهنگسازی راهی دانشگاه کلمبیا (نیویورک) شد. که از استادان او در این دوره می‌توان به ولادیمیر اوساچوسکی، جک بیزن و بولانت آرل اشاره کرد. این درحالی است که تولید چند پروژه موسیقایی ماندگار در عرصه های موسیق و ساخت موسیقی فیلم برای چندین اثر شاخص سینمای کشورمان تنها بخشی از فعالیت‌های مرحوم احمد پژمان را شامل می‌شود.

آنچه مرحوم احمد پژمان در حوزه های مختلف موسیقایی انجام داده، حاصل تجربیات متعدد و متنوعی است که برخاسته از خلاقیت، آگاهی و تسلط بر موسیقی کلاسیک ایرانی و جهانی بوده و همین امر موجب تولید و ارائه آثاری شد که هرکدام دارای مولفه ها و ویژگی هایی بودند که می‌توانند به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرند.

مصادره اموال خائنن به وطن، به نفع ملت اجرایی شود



حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، به مقوله مقبولیت اجتماعی اجرای فرایندمصادره اموال خائنن به وطن نیز گریزی زد و گفت: وفق بازخورهایی که طی مدت اخیر از مردم و عموم شهرونان دریافت کردیم متوجه شدیم که اجرای بدون تنازل و قاطعانه قانون توقیف و مصادره اموال عناصر خائن به وطن، با اقبال و استقبال عمومی مواجه شده است.

ملت ایران اطمینان داشته باشند که خادمان آنها در سنگر قضا، در اجرای این قانون، کوچکترین مماشائی را با مجرمان و محکومان به خرج نخواهند داد و مَرّ قانون را در قبال تک تک خائنن به وطن اجرا خواهند کرد.

رئیس قوه قضائیه خاطرنشان کرد در رابطه با اجرای بدون کم و کاست، دقیق و جامع فرایند شناسایی، توقیف و ضبط اموال عناصر خائن به وطن، دستورات مؤکدی خطاب به مراجع ذیصلاح قضایی ارائه شده است و همه ارکان ذیربط، با جدیت و سرعت در حال طی فرآیندهای مربوط به این امر هستند در همین راستا، تمهیداتی در باب منع انتقال و منع تنظیم وکالتنامه برای فروش اموال عناصر خائن و همچنین تسریع در ضبط اموال آنها پس از شناسایی و توقیف، اتخاذ شده و نتایج مطلوبی در این رابطه حاصل شده است.

و امالش به نفع ملت توقیف و مصادره شود. در این مسیر، ما بر راهبرد بازتوزیع ثروت‌های توقیف‌شده در جهت منافع عمومی و بازسازی زیرساخت‌ها، تأکید مؤکد داریم.

رئیس عدلیه عنوان کرد ما هیچگاه از دایره عدالت خارج نمی‌شویم و به جد معتقدیم که توقیف و مصادره اموال خائنن به وطن و شرکای داخلی متجاوزین، عین عدالت و عدالت‌گستری است. این امر علاوه بر مستندات و پشتوانه حقوقی و فقهی، یک ضرورت غیرقابل انکار ملی و میهنی است؛ کسانی که علیه امنیت مردم و ثبات کشور اقدام کردند، نباید انتظار مصونیت اموال و دارایی‌هایشان را داشته باشند. قاضی القضاات با بیان اینکه فردی که با رژیم‌های متجاوز و متخاصم همراهی و همکاری می‌کند، در واقع شریک جنایت آنهاست، گفت: در جنگ تحمیلی سوم، دشمن متجاوز، به هر جنایتی علیه مردم ایران دست زد؛ از حمله به مدرسه و بیمارستان تا موشک زدن به منازل مسکونی مردم؛ آن فردی که خود را ایرانی می‌نامد و به این دشمن زبون و ردل یاری رسانده، نباید از دست انتقام ملت ایران مصون بماند؛ او نیز در کودک‌کشی دشمن، سهیم است و باید تقاص پس دهد؛ در اینجا قانونگذار با مجازات‌هایی نظیر سلب حیات و مصادره اموال، به حسب، میان جرم و مجازات تناسبیاجاد کرده است.

غربالگری سلامت روان ۴۲۵ هزار نفر در ایام جنگ



به‌ویژه با توجه به مشکلات اجتماعی و اقتصادی، رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران تأکید کرد کودکان، سالمندان، زنان، افراد آسیب‌دیده و دارای تروما باید در اولویت مداخلات قرار بگیرند و مداخلات پس از جنگ باید چندلایه باشد از درمان‌های تخصصی تا بازسازی سرمایه اجتماعی و مداخلات محلی.

بازسازی عاطفی پس از سوگ؛ سه کلید طلایی روانشناس مدلی رئیس خانه روانشناسان و مشاوران در سخنانی با موضوع بازسازی عاطفی پس از سوگ گفت: سوگ یک زلزله روح است و روانشناس در برابر آن سه وظیفه طلایی دارد.

وی توضیح داد: نخست اینکه روانشناس باید دستمال اشک و همدرد فرد باشد، دوم اینکه کمک کند عزیز از دست رفته از بیرون و درون کوچ داده شود و سوم اینکه به فرد سوگ‌دیده یاد دهد روایت زندگی خود را مجدد بنویسد و خالق روایت‌های جدید زندگی باشد.

پوش «با من حرف بزن» در ۲۳ استان فعال شد

چاووشیان مدیرعامل مؤسسه خانواده، نیز از اجرای پوش ملی «با من حرف بزن» خبر داد و گفت: این پوش در ۲۳ استان کشور و در تهران در ۱۶ میدان اصلی فعال شد و با استقرار غرفه‌های گفت‌وگو در محل تجمع شبانه مردم، خدمات روانشناختی و مشاوره‌ای ارائه شد.

وی افزود: بیش از ۴۰۰ تشکیل خانواده‌محور، پنج هزار کنشگر و مددکار و هزار روانشناس در شبکه‌های مردمی ما فعال شدند و ۲۰۰ سؤال پرتکرار مردم که در تجمعات شبانه پرسیده می‌شود را در هفت حوزه استخراج و در قالب کتاب «خانواده تاب‌آور» پاسخ داده شد.

هشدار درباره فرسودگی درمانگران

پورشریفی رئیس انجمن روانشناسی ایران نیز با اشاره به ضرورت خودمراقبتی درمانگران در زمان بحران گفت: روانشناسان و درمانگرانی که بارها در معرض روایت آسیب‌های دیگران قرار می‌گیرند اگر خودمراقبتی و پردازش هیجانی نداشته باشند دچار فرسودگی شغلی می‌شوند و صلاحیت کمک حرفه‌ای آن‌ها کاهش می‌یابد.

■ حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، رئیس قوه قضائیه طی نشست‌ی محوریت بررسی فرایندهای ناظر بر توقیف و مصادره اموال عناصر همراه با دشمن متجاوز، وفق قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی»، به نکاتی تخصصی و ریشه‌ای در این فقره اشاره کرد و بیان داشت: افرادی که چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور، به هر نحوی از انحاء با دشمن متجاوز همکاری می‌کنند، اطمینان داشته باشند که وفق قانون به سراغ آنها خواهیم رفت و چنانچه مجازات مصادره اموال در قبال آنها به لحاظ قانونی، صحت کند، حتماً اموال‌شان را به حکم قانون، مصادره خواهیم کرد. در همین راستا، به مقامات مربوطه تأکید شده تا آن دسته از افرادی که اموال‌شان توقیف شده، هر چه سریع‌تر تعیین تکلیف شوند و چنانچه واجد مصادره اموال می‌باشند، در اعمال قانون، به هیچ وجه درنگ و تعلل نشود. در اینجا باید متذکر شوم که به هیچ وجه بی‌جهت اموال کسی توقیف نخواهد شد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به موضوع ایرانیانی که در خارج از کشور به تجاوز دشمن واکنش نشان داده‌اند اظهار کرد: ایرانیانی در خارج از کشور هستند که در گذشته مرتکب اقداماتی شدند، اما اکنون متنبه شده‌اند و تجاوز دشمن به خاک وطن، رگ غیرت‌شان را جنبانده است و علیه دشمن موضع گرفته‌اند؛ خطاب به این دسته از هموطنان می‌گویم که آغوش وطن به روی‌شان باز است و ما از بازگشت آنها استقبال می‌کنیم. البته در اینجا باید ذکر کنم ما برای عناصری که به وطن ضربه زده‌اند، فرش قرمز پهن نمی‌کنیم لکن تأکید داریم آنها که هنوز حب وطن دارند و از تجاوز دشمن به کشورشان، متألّفاند، می‌توانند به کشورشان بازگردند.

رئیس دستگاه قضا در ادامه با تشریح مستندات قانونی، ضبط اموال ناصر خائن به وطن، گفت: توقیف و ضبط اموال عناصر خائن به وطن و وطن‌فروشان، فعلی مستند به متن قانون و منطبق با نص صریح قانون است؛ ادله حقوقی و اثباتی بر این فقره و باب، مرتتب است؛ لکن فراتر از این عرصه، کاربرد مبحث عرفان حقوقی در این فقره است؛ فردی که به هر نحوی از انحاء با دشمن متجاوز، درنده و کودک‌کش، همراهی و همصدایی کرده، نه صرفاً یک عنصر معاند یا ضدانقلاب، که یک ایران‌ستیز و خائن به وطن است و هیچ ننگی شاید بالاتر از این نباشد.

هر نوع همکاری با رژیم باید مورد تعقیب قرار گیرد و مجازات شود

رئیس عدلیه خاطرنشان کرد: قوه قضائیه در نهایت اقتدار و صلابت قضایی و مستظهر به مشروعیّت مُنبعث از نص صریح قانون، اموال عناصر خائن به وطن را که با دشمن متجاوز همراهی کرده‌اند، به نفع ملت، توقیف و مصادره می‌کند. راهبرد ما در این فقره «توقیف به نفع ملت» و «استرداد به نفع ملت» است.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به جنایات متعدد و متکرر دشمن در تجاوز به ایران و نقش عناصر خائن در این جنایات، تصریح کرد: در تجاوز صورت گرفته به ایران اسلامی، زیرساخت‌های ملی هدف قرار گرفت؛ زیرساخت‌هایی که برای رفاه حال ملت و تعالی مردم ایجاد شده بود؛ فلذا آن فردی که در شناسنامه ایرانی است، اما در واقع، در دسته ایران‌ستیزان تاریخ است، باید تاوان همراهی‌اش با متجاوز را بدهد

■ به نقل از سازمان بهزیستی کشور، مراسم گرامیداشت روز روانشناس و مشاور با حضور مدیران حوزه مشاوره و روانشناسی وزارتخانه‌های بهداشت، آموزش و پرورش و فراجا و جمعی از اساتید و متخصصان این حوزه امروز در محل سازمان بهزیستی کشور برگزار شد.

در مراسم روز روانشناس و مشاور، مسئولان حوزه‌های مختلف سلامت روان از به میلان آمدن گسترده دستگاه‌ها برای کاهش آسیب‌های روانی ناشی از جنگ خبر دادند، از استقرار چادرهای خدمات روانشناختی و هزاران مشاوره تلفنی و برخط گرفته تا غربالگری صدها هزار نفر، مداخلات ویژه برای دانش‌آموزان، هشدار نسبت به آوج‌گیری افسردگی در پسالنگ و تأکید بر بازسازی عاطفی خانواده‌ها.

۱۴ هزار خدمت روانشناختی در ایام جنگ ارائه شد

حقی مدیرکل مشاوره فراجا در این مراسم با بیان اینکه پلیس در کنار مأموریت ذاتی خود یعنی تأمین امنیت، در حوزه جنگ نیز ابتکار عمل ویژه‌ای در حوزه روانشناختی به دست گرفت، اظهار کرد: از سال ۱۳۹۹ مراکز مشاوره فراجا ایجاد شده و اکنون ۶۵ مرکز مشاوره و ۱۲۰۰ واحد مددکاری در کالنتری‌ها فعال است.

وی افزود در حادثه میناب، چادرهای خدماتی مستقر کردیم و در التیام و همدلی با خانواده‌ها کمک‌رسان بودیم. همچنین غرفه‌هایی در میادین اصلی شهر برپا شده است و شب‌ها در تجمعات مردمی، خدمات روانشناختی در سراسر کشور ارائه می‌شود.

مدیرکل مشاوره فراجا با اشاره به آسیب‌دیدن برخی واحدهای این مجموعه در حملات دشمن گفت: با وجود اصابت به برخی واحدها، روش‌های جایگزین از جمله مشاوره تلفنی و آنلاین را به‌کار گرفتیم و هشت هزار مشاوره تلفنی و هزار و ۸۰۰ مشاوره برخط ارائه شد.

وی ادامه داد: همچنین با همراهی جهاد دانشگاهی، ۵۲ کارگاه برای مردم و روانشناسان برگزار و ۲۰۰ کلیپ آموزشی در حوزه تاب‌آوری و امیدبخشی تولید شد و در مجموع در ایام جنگ ۱۴ هزار خدمت به مردم ارائه دادیم. ۲۵ هزار نفر غربالگری سلامت روان شدند

محمدرضا شالبافان مدیرکل دفتر سلامت روانی اجتماعی وزارت بهداشت نیز در این مراسم با اشاره به آمادباش روانشناسان پیش از شروع بحران گفت: یک هفته قبل از جنگ، محتواهای آموزشی روانشناختی را در سامانه وزارت بهداشت برای استفاده تمام روانشناسان بازگذاری کردیم و روان‌درمانی فشرده PTSD را با همراهی انجمن‌های تخصصی آماده کردیم.

وی افزود: در بیمارستان‌هایی که پذیرای مصدومان بودند، روانشناسان و مددکاران حضور یافتند و به افراد آسیب‌دیده و خانواده شهنا خدمات ارائه کردند و پیگیری‌های بعدی نیز انجام شد. همچنین جمعیتی که خانه‌های خود را از دست داده بودند تحت حمایت روانی قرار گرفتند. شالبافان با بیان اینکه ۴۲۵ هزار نفر غربالگری سلامت روان مرتبط با استرس شدند تصریح کرد: متأسفانه علائم مثبت در این غربالگری‌ها بالا بود و نشان داد جامعه نیاز جدی به مداخلات مستمر دارد.

وی ادامه داد: در جنگ، سامانه ۹۹۰ برای خدمات مشاوره رایگان روانشناختی در بحران ایجاد شد و ۷۰۰ همکار ما از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ شب پاسخگوی مردم بودند به‌طوری که در برخی روزها تا شش هزار



سلامت روان در جنگ رمضان

■ نقل از سازمان بهزیستی، سید حسن موسوی‌چلک، در مراسم روز روانشناس و مشاور با اشاره به شرایط جنگی اخیر اظهار کرد: شرایط جنگ اهمیت دسترسی مردم به خدمات سلامت روان را بیش از پیش مشخص ساخت و به همین دلیل مراسم امسال با شعار «مشارکت روانشناختی در تقویت تاب‌آوری فردی و اجتماعی در شرایط بحران» برگزار می‌شود.

وی افزود: همه ما در این شرایط در کنار مردم هستیم و هر چقدر بیشتر در کنار هم باشیم، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظام خدمات روانشناختی و اجتماعی بیشتر نمایان خواهد شد.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی با بیان اینکه در روزهای جنگ همه تشکلات‌های دولتی و غیردولتی این حوزه بسیج شدند تا مردم احساس تنهایی نکنند، گفت: تمامی ظرفیت‌های مشاوره‌ای از طریق صدای مشاور و مراکز دولتی و غیردولتی فعال شد تا دسترسی مردم به خدمات سلامت روان تسهیل شود همچنین اتفاق خوب این بود که در سازمان بهزیستی بیش از ۸۰ راهنمای عمل تخصصی ویژه دوران جنگ تدوین شد و ۱۸ هزار بروشور آموزشی نیز برای آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی تهیه و توزیع شد.

وی با بیان اینکه در روزهای جنگ همه تشکلات‌های دولتی و غیردولتی این حوزه بسیج شدند تا مردم احساس تنهایی نکنند، گفت: تمامی ظرفیت‌های مشاوره‌ای از طریق صدای مشاور و مراکز دولتی و غیردولتی فعال شد تا دسترسی مردم به خدمات سلامت روان تسهیل شود.

موسوی‌چلک ادامه داد: اتفاق خوب این بود که در سازمان بهزیستی بیش از ۸۰ راهنمای عمل تخصصی ویژه دوران جنگ تدوین شد و ۱۸ هزار بروشور آموزشی نیز برای آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی تهیه و توزیع شد. باید تلاش کنیم با کمک سازمان‌های مختلف و بخش غیردولتی به یک مدل متناسب با شرایط جنگ در حوزه روانشناختی و مشاوره برسیم، مدلی که نه تنها در بخش‌های مختلف کشور قابل استفاده باشد بلکه بتوان آن را به خارج از کشور نیز ارائه کرد.

در ادامه این مراسم، ابراهیم غفاری مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و روانشناختی سازمان بهزیستی نیز با اشاره به نقش این سازمان در حوزه سلامت اجتماعی گفت: سازمان بهزیستی به عنوان متولی سلامت اجتماعی نقش مهمی در ترویج بهتر زیستن دارد و خدمات مختلفی ارائه می‌کند که می‌تواند در بهبود شرایط زندگی و ارتقای سلامت روان مؤثر باشد.

وی افزود: تحقیقات مختلف نشان می‌دهد افرادی که از بهزیستی روانشناختی بالاتری برخوردارند در روابط اجتماعی، شغلی و خانوادگی موفق‌تر هستند و این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند در برابر مشکلات تاب‌آورتر باشند.

غفاری تصریح کرد: مأموریت اصلی دفتر مشاوره سازمان بهزیستی ارتقای سلامت روان، بهبود کیفیت زندگی و تقویت بنیان خانواده است و تمامی فعالیت‌ها در حوزه پیشگیری و کنترل آسیب‌های روانشناختی با همین رویکرد طراحی می‌شود.

مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و روانشناختی سازمان بهزیستی با اشاره به توسعه مراکز مشاوره اظهار کرد: خط صدای مشاور ۱۴۸۰ از سال ۱۳۷۱ در تهران راه‌اندازی شد و اکنون در ۳۱ استان کشور فعال است. در سال گذشته بیش از یک میلیون و ۷۵۰ هزار تماس موفق با این خط برقرار شد. همچنین ۸۰ مرکز دولتی و سه هزار مرکز غیردولتی مشاوره در کشور فعال هستند که در مجموع به یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مشاوره حضوری ارائه کرده و بیش از سه میلیون جلسه مشاوره برگزار کرده‌اند.

غفاری با اشاره به برنامه‌های آموزشی برای ارتقای دانش روانشناسان گفت: برای به‌روز بودن روانشناسان از ظرفیت اساتید دانشگاه‌ها استفاده می‌کنیم و برنامه آموزش تخصصی روانشناسان را به‌صورت مستمر در دستور کار داریم.

وی افزود: در این راستا، ۱۷ هزار و ۲۴۶ نفر در قالب هزار و ۶۲۷ دوره آموزشی حضور یافتند و مباحثی همچون پیشگیری از خودکشی، کاهش طلاق، غربالگری کودکان، آموزش بهبود و ارتقای خانواده، آموزش پیش از ازدواج، مهارت‌های خانواده و مسائل دوره نوجوانی به آن‌ها آموزش داده شد. بیش از ۵۲۰ هزار نفر نیز از آموزش‌های ارتقایی این حوزه بهره‌مند شدند.

غفاری در ادامه به عملکرد حوزه مشاوره در دوران جنگ اشاره کرد و گفت: در این ایام، ۱۷۶ هزار و ۵۷۸ تماس با صدای مشاور ۱۴۸۰ برقرار شد که از این تعداد، ۱۲۰ هزار تماس توسط زنان و حدود ۴۰ هزار تماس توسط مردان انجام شد. بیشترین تماس‌ها به تعداد ۹۱ هزار و ۵۱۴ مورد مربوط به مشکلات خانوادگی بود.

مدیرکل دفتر خدمات مشاوره و روانشناختی سازمان بهزیستی همچنین از فعالیت پنج هزار داوطلب در تیم‌های محب‌خبر داد و گفت: این تیم‌ها در دوران جنگ ۲۰ هزار محتوای آموزشی و حمایتی تولید کردند و تلاش شد در این شرایط در کنار مردم باشیم ضمن اینکه برنامه‌هایی نیز برای ارائه خدمات سلامت روان در دوره پسالنگ در دستور کار قرار می‌گیرد.

عصر فانون

روزنامه اجتماعی اقتصادی

www.asrghanoon.ir

عکس | امیررضا شفاعی

روابط عمومی | جهانگیر توسلی

تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۱۳۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸

نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵

چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۳۸۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی

زیر نظر شورای سردبیری

گرافیکست و صفحه آر | مهدی حاجی شریفی

ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی

FAZAMAJAZI

@ASREGANOON

@ASREGANOON



مصادره به نفع ملت

حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، رئیس قوه قضائیه طی نشست با محوریت بررسی فرایندهای ناظر بر و مصادره اموال عناصر همراه با دشمن متجاوز، وفق قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» اشاره کرد

واکنش حسین پاکدل به هنرمندان

حسین پاکدل نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر و سینما در یادداشتی که در صفحه مجازی خود نوشته نسبت به واکنش نشان ندادن برخی از هنرمندان و سکوت آنها در قبال حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران اعتراض کرد.

تاج دنبال تضمین رسمی فیفا برای سفر به آمریکا

در آستانه برگزاری رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶، موضوع حضور تیم ملی ایران با محوریت مسائل امنیتی وارد مرحله‌ای تازه شده است. در همین راستا، مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران برنامه‌ریزی کرده است تا در سفر خود به کانادا برای حضور در کنگره AFC، مذاکراتی را با فیفا انجام دهد.

بر اساس پیگیری‌ها هدف اصلی این رایزنی‌ها دریافت تضمین‌های رسمی درباره امنیت کاروان تیم ملی ایران در جریان برگزاری مسابقات است. این اقدام در شرایطی دنبال می‌شود که محل برگزاری بخش قابل توجهی از دیدارهای جام جهانی در خاک ایالات متحده خواهد بود و همین موضوع نگرانی‌هایی را در خصوص شرایط حضور تیم‌ها ایجاد کرده است.

گفته می‌شود تاج در تلاش است با اخذ یک سند رسمی از فیفا در گفتگوی رسمی با دبیر کل و رئیس فیفا، چارچوبی مشخص و قابل استناد درباره تعهدات میزبانان نسبت به امنیت تیم‌ها به دست آورد. این سند می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌های بعدی در داخل کشور قرار گیرد.

بر همین اساس رئیس فدراسیون فوتبال قصد دارد پس از دریافت این تضمین، آن را به نهادهای عالی‌رتبه کشور ارائه کند تا درباره حضور یا عدم حضور تیم ملی در این رقابت‌ها تصمیم‌گیری نهایی صورت گیرد. تاج که همراه با هدایت ممبینی و حامد مومنی دبیر کل و معاونش به کانادا رسیده است به طور کامل قصد دارد شرایط فعلی تیم ملی را بیان کند و آمادگی تمام و کمال ایران برای حضور در لس آنجلس و سیاتل را به گوش مدیران فیفا برساند.

در حقیقت تاج تلاش دارد با تکیه بر مستندات رسمی بین‌المللی، مسیر روشنی برای تعیین تکلیف حضور در جام جهانی ترسیم کرده و ابهامات موجود را از طریق سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک کاهش دهد تا تیم ملی ایران با حاشیه‌های کمتری راهی کشور آمریکا برای برگزاری بازی‌های مرحله گروهی شود.



سه پیشنهاد برای تعیین قهرمان لیگ برتر

حدادی از اینکه استقلالی‌ها راه کوتاهی را برای رسیدن به سهمیه طی کرده اند هم اعلام نارضایتی کرده بود و نحوه انتخاب سهمیه‌ها بر اساس جدول فعلی را تنها به سود استقلال، تراکتور و سپاهان دانسته که نیاز به بازنگری دارد.

گزینه نخست پرسپولیس‌ها برگزاری ادامه رقابت‌های فصل جاری لیگ برتر و اعلام نماینده‌ها براساس جایگاه تیم‌ها در پایان فصل است. موضوعی که نیاز به موافقت AFC با تأخیر در اعلام اسامی باشگاه‌های منتخب دارد و هنوز مشخص نیست چه تصمیمی در این خصوص گرفته‌میشود.

دومین پیشنهاد پرسپولیس به برگزاری تورنمنت ۶ جانبه با حور ۶ تیم بالای جدول است که شانس کسب سهمیه دارند معطوف شده است. درحقیقت در این فرمول تیم‌های استقلال، تراکتور، سپاهان اصفهان، گل‌گهر سیرجان، چادرملو اردکان و پرسپولیس با یکدیگر رقابت کرده و سهمیه‌ها مشخص می‌شوند.

همچنین آخرین پیشنهاد نیز به برگزاری تورنمنت چهارجانبه بین تیم‌های اول و دوم جدول فعلی و همچنین تیم‌های نخست و دوم در پایان نیم فصل بود که شامل پرسپولیس، سپاهان، تراکتور و استقلال تهران می‌شود.

تعلیق رقابت‌های فصل جاری لیگ برتر به دلیل جنگ تحمیلی و تصمیم سازمان لیگ مبنی بر برگزاری ادامه رقابت‌ها (از هفته بیست و سوم به بعد) پس از بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۶ موجب شد تا صحبت‌های متفاوتی در خصوص معرفی نمایندگان فوتبال ایران برای فصل آتی رقابت‌های لیگ‌نخبگان و لیگ قهرمانان آسیا مطرح شود.

صحبت‌های هدایت ممبینی دبیر کل فدراسیون مبنی بر حضور استقلال، تراکتور و سپاهان اصفهان به عنوان نمایندگان فوتبال ایران به شدت با انتقاد مدیرعامل پرسپولیس، گل‌گهر سیرجان و حتی چادرملو اردکان همراه شد تا این خبر از سوی ارکان فدراسیون تکذیب شود و آنها دنبال راهکاری برای معرفی نمایندگان فصل آینده شوند.

پرسپولیس ول‌کن استقلال نیست/ سه پیشنهاد برای تعیین قهرمان لیگ برتر

پیمان حدادی مدیرعامل باشگاه پرسپولیس معتقد است تیمش در ۸ بازی باقیمانده تا پایان فصل، توان رقابت برای قهرمانی را دارد و همین موضوع را دستمایه‌ای برای اعتراض به حذف اسم سرخ‌ها از آسیا دانست. او حالا پیشنهادهای مشخصی را به سازمان لیگ و مسئولان فدراسیون ارائه کرده است تا اینگونه دنبال عدالت برای معرفی تیم‌ها باشد.



صعود کشتی‌گیران به مرحله یک‌چهارم

- در ادامه ششمین دوره بازی‌های ساحلی آسیا که به میزبانی شهر سانیا در چین جریان دارد، امروز رقابت‌های کشتی ساحلی برگزار شد و نتایج زیر به دست آمد:
- در وزن ۷۰ کیلوگرم، علی‌اکبر زرویی با غلبه بر حریفانی از اردن، هند و قطر، راهی جمع هشت نفر برتر مسابقات شد.
- در وزن ۸۰ کیلوگرم، علی غلامی نیز با شکست نمایندگان یمن، تاجیکستان و قرقیزستان، صعود خود به مرحله یک‌چهارم نهایی را قطعی کرد.
- در وزن ۹۰ کیلوگرم، امیرحسین کاووسی عملکردی مقتدرانه از خود به نمایش گذاشت و پس از دو پیروزی برابر نماینده سریلانکا و همچنین غلبه بر کشتی‌گیرانی از بحرین، ویتنام و سنگاپور، جواز حضور در مرحله یک‌چهارم نهایی را به دست آورد.
- در وزن ۹۰+ کیلوگرم نیز امیررضا صحرایی با برتری مقابل حریفانی از سوریه، قرقیزستان و قزاقستان، به مرحله یک‌چهارم نهایی راه یافت.